

۱۵ خرداد ۴۲: آغاز گرانقلاب اسلامی

یکشنبه، سه شنبه، پنجشنبه منتشر میشود

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

سه شنبه ۱۳ خرداد ۵۹، شماره ۶۰ تکشماره ۱۰ ریال

اطلاعه

"از تصمیم شورای انقلاب در برگزاری راهپیمایی ۱۵ خرداد پشتیبانی کنیم"

حزب رنجبران ایران اعلام میدارد که در راهپیمایی بزرگداشت روز تاریخی ۱۵ خرداد که از طرف شورای انقلاب دعوت شده، همراه با توده‌های میلیونی خلق، شرکت می‌کند. حزب رنجبران ایران از کلیه هم‌میثان مبارز و اعضاء و طرفداران خود دعوت می‌کند تا با صفوف یکپارچه و متحد در این تظاهرات عظیم شرکت کنند و یکبار دیگر عزم راسخ و وحدت بزرگ ملی خود را در دفاع از انقلاب اسلامی علیه توطئه‌های رنگارنگ دوا بر قدرت آمریکا و شوروی و عمالشان در این شرائط حساس نشان دهند.

— جاودان باد خاطره پرشکوه شهدای گلگون کفن قسام ۱۵ خرداد ۴۲
— زنده باد اتحاد بزرگ ملی در راه تحقق استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی.
— زنده باد انقلاب اسلامی ایران برهبری امام خمینی.
حزب رنجبران ایران
۵۹/۳/۱۲



امام خمینی در آستانه ۱۵ خرداد ۴۲ علیه رژیم شاه و امپریالیسم آمریکاسخن میگوید

دیروز در کنفرانس بین‌المللی تهران طرح شد

ادعای نامه ایران علیه امپریالیسم آمریکا

صبح دیروز کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا با تلاوت آیاتی از قرآن در حضور هیات‌های نمایندگی احزاب سیاسی، شخصیت‌ها و سازمان‌های رهایی بخش از چهار گوشه جهان آغاز بکار کرد. اعضاء ۵ نفره هیئت رئیسه به ترتیب زیر انتخاب شدند:

از اروپا (یوگسلاوی) آقای دیزید، از آسیا (سرلانکا) آقای برا، از آفریقا (الجزیره) آقای شریعت، از خاورمیانه (عراق) آقای صدر و از آمریکای لاتین (کوبا) آقای برزا، در عین حال ریاست کنفرانس با آقای قطب زاده وزیر خارجه کشورمان است. پس از گشایش کار نهم در صفحه ۲

پیام امام

بسم الله الرحمن الرحيم
اکنون که نمایندگان بعضی از ملت‌ها و احزاب سیاسی برای رسیدگی بجرائم دولت آمریکا و وابستگان آن از آن

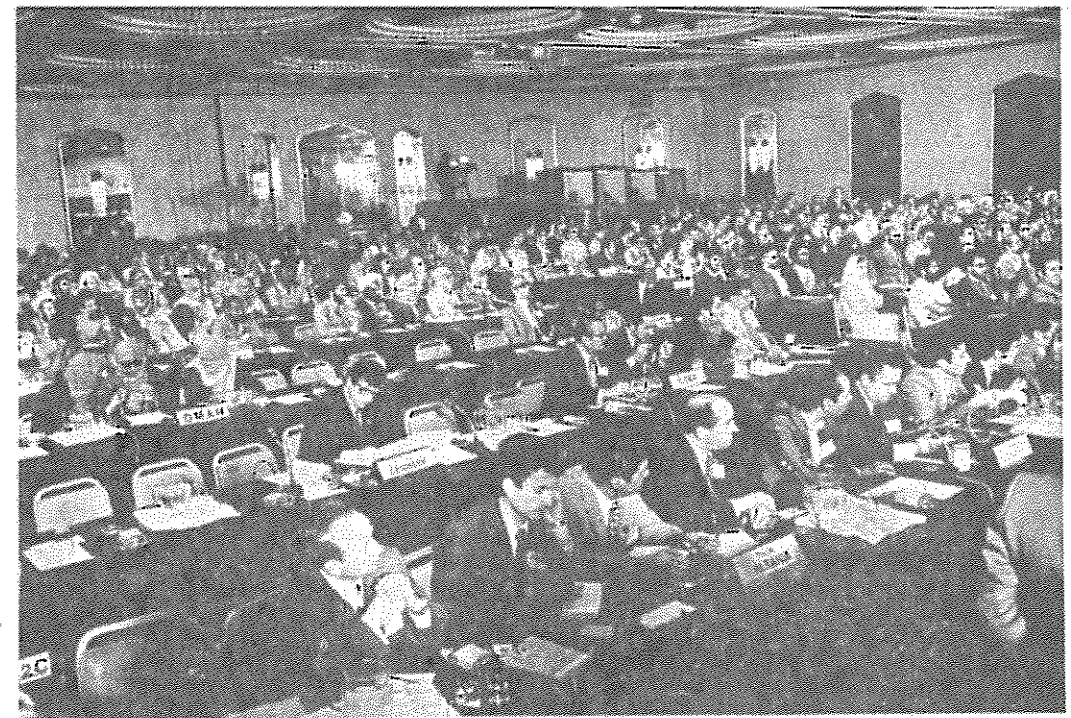
خطوط اساسی مبارزه
علیه امپریالیسم

برپای "کنفرانس بررسی جنایات آمریکا و مبارزه با سلطه جوئی ابرقدرتها" در تهران، باردیگر میانه بر سر جوئی مبارزه موثر علیه امپریالیسم را بعنوان مسئله ای اساسی واحد، درد ستور کار نیروهای سیاسی و افکار عمومی مردم ایران قرار داده است. از این رولازم میدانیم باردیگر اساسی ترین مسائل مبارزه ضد امپریالیستی را که هم اکنون درد ستور کار انقلاب اسلامی قرار دارند، مرور مجددی بنمائیم. بعقیده ما "کنفرانس بررسی جنایات آمریکا" باید بتواند بمناب سلاحي در خدمت این مبارزه مردم ایران قرار گیرد:

۱- بایروری انقلاب اسلامی ایران، بند وابستگی سیاسی ایران به امپریالیسم و بویژه به امپریالیسم آمریکا گسسته شد. و در زمینه استقلال سیاسی ایران بادی پیش گرفتن یک سیاست فعال در صحنه سیاسی و دیپلماتیک علیه امپریالیسم آمریکا و باشا "نه شرقی، نه غربی" سنگبری درستی را اتخاذ نمود. در صحنه سیاسی ادامه قاطع و فعال سیاست نه شرقی، نه غربی و مبارزه فعال علیه سلطه جوئی دوا بر قدرت آمریکا و روسیه همچنان اساس استقلال سیاسی میهن ما را تشکیل میدهد، بدون مبارزه علیه دوا بر قدرت که یکی بخاطر بدست آوردن موقعیت از دست رفته خود در حال توطئه و تخریب است و دیگری در صدد برگردن جای خالی رقیب میباشد، حتی سخنی هم از استقلال سیاسی که کلید و حلقه مرکزی هر استقلال واقعی است، نمیتواند در میان باشد. در شرایط کنونی که توده های خلق علیه امپریالیسم آمریکا کاملاً بسیج میباشد، بویژه خطر گرایش به شرق و وابستگی به روس، خطری جدی و اساسی است.

۲- امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا برای سالهای طولانی علاوه بر

شده در صفحه ۲



ما ایران، آیین کشور غارت زده مظلوم آمده اند، با تشکر از زحمات آنان باید تذکر دهیم که ملت و دولت ایران قاصر نیستند که جمیع اسناد جرائم پنجاه ساله رژیم سابق، و جرائم بیست و نهمین سال دولت آمریکا را به شمانمایندگان محترم عرضه دارند.

چطور ممکن است اسناد قتلها و شکنجه های وحشیانه و زندانهای رژیم سفاسک گذشته را در طول پنجاه سال از سر اسرار کشور جمع آوری کنند، و چگونه میتوانند اسناد سیاسی شهدای مسجد گوهر شاد و قتل عامهای مکرر در طول سلطنت غاصبانه محمدرضا، و از ۱۵ خرداد ۴۲ تا زمان سقوط رژیم شده در صفحه ۲

نگاهی به سیر انحطاط «سازمان چریکهای فدائی خلق»

از هنگامی که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در سال ۱۳۵۰، بر اساس مرز بندی با رویزیونیسم خروشجفی و خیانتکاری حزب توده و با گزینش می مسلحانه جدا از توده ها اعلام وجود کرد، تا امروز که رهبری غاصب آن به عبودیت دریای سوسیال امپریالیسم افتاده و راه انحطاط با رهبری حزب توده را پیش گرفته، یک سیر انحطاط نسبتاً طولانی طی شده است.

بیشتر اعضای جوان و هواداران سازمان چریکها از حرکت ناگهانی و فرصت طلبانه اخیر رهبری سازمان به شگفتی افتاده و قادر به تحلیل نیستند. اما مارکسیست لنینیست های وفادار به اندیشه مائو تسه دون از همان اوایل حرکت سازمان با توجه بدو انحراف اساسی سازمان یعنی -۱- جدایی از توده ها و عدم اعتماد به آنان -۲- وجود عقاید التقاطی و ندانند مرز بندی دقیق با رویزیونیسم مدرن، این سیر نزولی را پیش بینی میکردند.

زندگی، صحت نظر مارکسیست لنینیست هار نشان داد. در طول ده سال، تدریجاً "خط احمدزاده" جای خود را به "خط جزئی" و سپس آن خط جای خود را به خط روسی رهبری غاصب کنونی داد.

رفیق مسعود احمدزاده از بنیان گذاران سازمان چریکها، با اینکه به انحراف دیربسی در مسی دچار شده بود، علیه رویزیونیسم خروشجفی موضع صریح و آشکار داشت. او در رساله خود (تحلیلی بر شرایط جامعه ایران) در توضیح شرایط جنبش کمونیستی ایران پس از خیانت رهبری حزب توده میگوید: "اگر در همین ایام مرز بندی دقیق بین مارکسیسم- لنینیسم از یک طرف و رویزیونیسم و اپورتونیسم از طرف دیگر در یک مقیاس بین المللی شکل نگرفته بود، شاید سلب اعتماد از حزب توده، در آغاز تا حدودی موجب سلب اعتماد از کمونیسم هم میشد در صفحه ۳

پشتیبانی از تحریم بازیهای مسکو

آقای رئیس جمهور، شورای انقلاب اسلامی ایران،

تصمیم انقلابی شما مبنی بر عدم شرکت در المپیک مسکو، نیروهای استقلال طلب ملت ایران را شادمان کرد. حزب ما که در زمره نخستین نیروهای ایرانی خواستار تحریم بازیهای تابستانی مسکو بود، خود را در این مسرت ملت ایران و نیروهای استقلال طلب ایرانی شریک میداند. با تحریم المپیک مسکو، شما مشکل مقاومت مردم سراسر جهان بویژه به اشکال گوناگون مورد تهدید و تجاوز ابر قدرت شوروی هستند بر افروخته تر ساختید. تجاوزگران فاشیست روسی میخواهند در المپیک مسکو به جهانیان چنین وانمود کنند که میتوانند هم افغانستان را اشغال کنند و هم دوستان مردم افغان را به شده در صفحه ۲

چرا باند کیانوری بزرگداشت ۱۵ خرداد را تحریم میکند؟

بدنیال اعلامیه "سواد برگزاری مراسم ۱۵ خرداد" مبنی بر اینکه مراسم امسال در دانشگاهها برگزار میگردد، "کمیته مرکزی حزب توده طی اعلامیه ای اظهار داشته که "در روزهای ۱۴ و ۱۵ خرداد در هیچ اقدامی شرکت نخواهد داشت" و "هیچیک از اعضا و هواداران حزب توده در این روز و روزهای پس از آن در دانشگاهها حاضر نخواهند شد".

دارودسته کیانوری، بدین ترتیب آشکارا و بطرز وقیحانه ای تظاهرات ضد امپریالیستی و شگوهند توده های ۱۵ خرداد را با یکسوت و تحریم می کنند. بیانه ای که برای

این با یکسوت و تحریم از جانب عمال روس عنوان میشود، ظاهراً عبارت است از "جلوگیری از درگیری و تشنج". این مزدوران روسیه در همین شماره "مردم" از زبان دست آموزهای خود در "سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات"، حزب پنجران ایران را متهم به تدارک "خرابکاری و قصد تشنج کردن مراکز آموزش عالی و دانشگاه ها" می نماید.

اما حقیقت چیست؟ چرا باند کیانوری مراسم ۱۵ خرداد را تحریم میکند و چه مقاصدی را از پی این تحریم تعقیب می کند؟

شده در صفحه ۲

اعتراض

ما مورین انتظامی محل برگزاری کنفرانس بین المللی تهران از ورود خبرنگار "زنجیر" به سالن کنفرانس جلوگیری نمودند. بیانه های آنها برای ممانعت از پذیرفتن خبرنگار ما در عرض دوروزه با رتغییر کرد، ابتدا گفتند نشریات ارگان سیاسی از ورود بیانه کنفرانس محرومند. سپس بیانه آوردند که تنها روزنامه های "برسراژ" حق ورود دارند و بالاخره هنگامیکه خبرنگار روس نامه "مردم" نیز بدرون هتل هیلتون راه یافت گفتند که تنها خبرنگاران نشریات بومیه حق ورود دارند.

ما هنوز نمیدانیم مسئولیت این عمل فحشه مکرراتیک و غیر قانونی بعهده کیست. اما آنچه روشن است اینست که در این "امتحان ورودی" هدف، گسار شکنی و بیانه سراسی بود و تنه اجرای ضابطه های قانونی و منطقی.

ما به جلوگیری از ورود خبرنگار خود به محل برگزاری کنفرانس شدیداً معترضیم و از حق سیاسی و قانونی خود صرف نظر نخواهیم کرد.

بنی صدر:

جامعه‌ای که دیکتاتور محبوب بطلبد، بیمار است

دکتر بنی صدر رئیس جمهور کشورمان در یک مصاحبه رادیو تلویزیونی دربارهٔ اوضاع جاری مملکت صحبت کرد و در موارد مختلفی از شیوه و سبک کار گذشته به دلیل اینکه نتیجه‌ای نداد و یا نتیجه‌ها مطلوب داده، انتقاد نموده و دلیل انجام این شیوه‌ها را نداشتن مرکزیت و خودکامگی در تصمیم‌گیری و انجام اعمال بدون برنامه ذکر کرد. رئیس جمهور دربارهٔ جریان‌ها و ناآرامی‌ها گفت که شیوه‌ها چنانچه تنها موجب حل اختلافات عقیدتی نشده بلکه باعث شدت اختلافات و تویز و رشدها منته عمل و فعالیت گردید و گروه‌های مخالف، بعد از انقلاب شده است. وی در مورد گرانفروشی گفت که باید علل اقتصادی گرانفروشی را با برنامه‌ریزی منظم زبیین ببریم نه اینکه با خوشنیت بخواهیم قیمت‌ها را پایین بیاوریم این شیوه مجازات یک اثرات موقتی دارد ولی در اصل چیزی را تغییر نمانده گرانفروشی بشکل دیگر باقی خواهد ماند.

دکتر بنی صدر در رابطه با جریان‌هایی که جوشا یعه پراکنی و تحریک را تشدید می‌کنند گفت که میگویند شاه مخلوع گفته کودتا میشود. من خیال نمی‌کنم کودتای نظامی شود. همین چیزها کودتاست، این اعمال زمینه‌ها برای بدترین نوع دیکتاتوری یعنی دیکتاتوری محبوب آمده میکند و جامعه‌ای که دیکتاتوری محبوب بطلبد بیمار است و با این طرز تفکر جامعه را بیمار میکنیم.

سر مقاله روزنامه جمهوری اسلامی در افشای جبهه روسی انقیاد ملی

روزنامه جمهوری اسلامی در سر مقاله روزهای شنبه و یکشنبه خود با عنوان "جبهه خوابهایی برای دانشگاه دیده شده است به بررسی نقش نیروهای سیاسی در دانشگاهها و چگونگی صف بندی آنها پرداخته و می نویسد: "مخالفت با انجمنهای اسلامی و توطئه علیه دانشجویان معتقد به اسلام و انقلاب اسلامی و ضرب و جرح و هتک حیثیت آنها، ریشه در نهاد ناآرام گروههایی دارد که از پیروزی این انقلاب خونبار به چشم آمده و موفقیت اسلام و خط سیاسی نه شرقی نه غربی را نوعی شکست برای خود تلقی می کنند.

این سر مقاله در رابطه با جبهه مخالف این انجمنها که بطور کلی مخالف تمام نیروهای استقلال طلب معتقد به نه شرقی نه غربی هستند، ابتداء مجاهدین خلق برخورد میکند و میگوید که مجاهدین بجای حمایت از این دانشجویان و لو شده در ظاهر به عوامل و هواداران خود در دانشگاهها دستور دادند که در مقابل این انجمنها موضعگیری و جبههگیری کرده و دوش به دوش فدائیان و توده‌ایها یک جبهه مستحکم علیه دانشجویان اسلامی بوجود آورند. در این گیرودار طبیعی است که ساواکها مزدوران رژیم گذشته و کسانی که منافع طبقاتی آنها با انقلاب اسلامی بخاطر افکار است نیز جانب این جبهه را گرفتند و بدین گونه شد که مجاهدین توانستند با هم پیمانی توده‌ایها و فدائیان خلق و حمایت عناصر رژیم گذشته به اصطلاح شوراهای دانشجویی را تحت حکومت خود در آورند و آن را در جهت منافع و مطامع سیاسی و حتی نظامی خود به کارگیرند و جوی وجود آوردند که بجای مبارزه با امپریالیسم به مبارزه علیه دولت و انقلاب اسلامی دامن زده شود"

در ادامه مطلب، سر مقاله اعمال این جبهه در دانشگاهها و چگونگی مبارزه آنها با دولت و دامن زدن به درگیریهای دانشگاه با فریاد های: "آی تهدید و توطئه... ارتجاع چنین کرد رابرسی کرده و خاطر نشان میسازد که خود را برادر کوچکتر حزب توده به حساب آوردن و روز شب گریه‌نامه و ناله نامه و دروغ‌نامه و فحش‌نامه

روزنامه جمهوری اسلامی یکساله شد

دومین سال انتشار روزنامه "جمهوری اسلامی" راه مسئولین و کارکنان آن تبریک می گوئیم. روزنامه "جمهوری اسلامی" در شرائطی که زمینه کار مطبوعات و تبلیغات در ایران، دائما مورد تعرض عوامل شرق و غرب است توانسته خط نه شرقی نه غربی، انقلاب اسلامی ایران را حفظ کند و از این طریق در جهت استقلال کامل ایران از سلطه ابرقدرتها گام بردارد. موفقیت بیشتر مسئولین و کارکنان روزنامه "جمهوری اسلامی" را در خدمت به انقلاب ایران خواهیم ناله نامه و دروغ‌نامه و فحش‌نامه هیئت تحریریه "رنجبران"

ارگان حزب رنجبران ایران

نامه حزب رنجبران ایران به دادستان کل انقلاب اسلامی

جناب آقای قدوسی دادستان کل انقلاب اسلامی

طبق اطلاع رسیده به دفتر حزب، روز یکشنبه پانزدهم خرداد ماه ۱۳۵۹ باسداران انقلاب در دیوان دره میادرت به دستگیری یکی از طرفداران حزب رنجبران ایران، رفیق عزیز نصیری کرده اند. رفیق عزیز نصیری که به شغل معلمی در دیوان دره مشغول است سالهاست که در این شهر با روحیه عالی انقلابی و خدمت به مردم کردستان کار کرده و زحمت کشیده است و در جریان انقلاب بزرگ اسلامی، سهم خود نقش ارزنده‌ای داشته و همیشه بطور استوار از آن دفاع کرده است. ما از مقام دادستان کل تقاضا داریم در این مورد هر چه زود تر اقدام نموده و دستور آزادی فوری ایشان را صادر نمایند.

از طرف حزب رنجبران ایران
دکتر علی صادقی

کمیته بررسی مسائل افغانستان در تهران تشکیل میشود

روز چهارشنبه ۱۴ خرداد ماه کمیته بررسی مسائل افغانستان، با شرکت صادق قطب زاده وزیر امور خارجه ایران آقایان هادی وزیر امور خارجه پاکستان و حبیب شطی دبیرکل کنفرانس اسلامی در تهران تشکیل جلسه خواهد داد.

بنابه گفته سخنگوی وزارت امور خارجه ایران این کنفرانس به منظور بررسی حضور نیروهای نظامی شوروی در افغانستان و مسائل ملی است که از آن نتیجه میشود. ضمناً وزیر خارجه پاکستان نیز اعلام کرده است که این نشست مقدماتی خواهد بود و در آن مسائل مربوط به افغانستان بطور کلی مورد بحث قرار خواهد گرفت. طی همین نشست همچنین تصمیم گرفته خواهد شد که بخاطر بهره‌برداری از هفت هفتاد و یافتن یک راه حل جامع برای مسئله افغانستان با چه کسی و در چه زمانی تماس گرفته شود.

کشورهای خلیج فارس در مقابل دو غول آمریکا و شوروی

روز چهارشنبه ۱۴ خرداد ماه کمیته بررسی مسائل افغانستان، با شرکت صادق قطب زاده وزیر امور خارجه ایران آقایان هادی وزیر امور خارجه پاکستان و حبیب شطی دبیرکل کنفرانس اسلامی در تهران تشکیل جلسه خواهد داد.

بنابه گفته سخنگوی وزارت امور خارجه ایران این کنفرانس به منظور بررسی حضور نیروهای نظامی شوروی در افغانستان و مسائل ملی است که از آن نتیجه میشود. ضمناً وزیر خارجه پاکستان نیز اعلام کرده است که این نشست مقدماتی خواهد بود و در آن مسائل مربوط به افغانستان بطور کلی مورد بحث قرار خواهد گرفت. طی همین نشست همچنین تصمیم گرفته خواهد شد که بخاطر بهره‌برداری از هفت هفتاد و یافتن یک راه حل جامع برای مسئله افغانستان با چه کسی و در چه زمانی تماس گرفته شود.

* بستنیانی از ...

بازی بکشاند. تا آید مجدد شما بر تصمیم راستینی که چند ماه پیش در مورد تحریم المپیک گرفته بودید، مشت محکمی است بر دهان عمال ابر قدرت روس، بویژه دارودسته کیانوری حزب توده که تلاش دارند انقلاب بزرگ ما را از مسیر اصلی "نه شرقی، نه غربی" خود منحرف سازند اکنون فرصت دیگری بدست آمده تا انقلاب اسلامی ایران با یافشاری بر پشتیبانی از خلق محروم و مبارز افغانستان، از هیچ‌گونه کمک مادی و معنوی - از جمله کمک نظامی - به مبارزین افغانی که برای رهایی میهن خود از یوغ چکمه پوشان روس می - جنگند، دریغ نورزد. این کمکها بر اساس مشی اصولی انقلاب اسلامی ما، یعنی مشی نه شرقی، نه غربی، علیه آمریکای جنایتکار و شوروی تجاوزگر، استوار بوده و از وظایف اساسی جمهوری اسلامی ما و سمت اساسی سیاست خارجی آنست.

درخاسته ضروری میدانیم یاد آور سازیم که تحریم بازیهای مسکو، نباید ما را از رشد ورزش ملی و روحیه ورزش مردمی که در خدمت پرورش جسمی و روحی جوانان ما برای مقابله با تجاوز ابرقدرتهاست بازدارد. برعکس، دولت باید همه گونه امکانات را برای جبران کمبودها و عقب ماندگیها در این زمینه فراهم سازد. ورزش ما از سیاست ما جدا نیست و سیاست ملی سیاست دفاع از استقلال و انقلاب ایران است و ورزش نیز میتواند و باید از همه جهات در خدمت این امر کبیر و خطیر قرار گیرد.

دبیرخانه حزب رنجبران ایران
۱۳۵۹/۳/۱۲

* پیام امام ...

بقیه از صفحه ۱
را خصوصاً در دو سه سال اخیر را جمع آوری کرده و عرضه نمایند. و بطور میتوانستند تمام قراردادهای تحمیلی از طرف دولت مردان آمریکا توسط شاه خائن علیه ملت مظلوم ایران را مفسلاً ارائه دهند. و بطور ممکن است قبرستانهای شهدای ما را که در سراسر ایران برایش کشتارهای دسته جمعی بوجود آمده است ارائه دهند. و چگونه ممکن است معلولین از ۱۵ خرداد ۴۲ تا سالهای اخیر را، که در شهرهای سراسر کشور متفرقند بشمارا ارائه

* خطوط اساسی ...

واشنگتن علیه حاکمیت ملی مردم محسوب میشود. وی افزود ما مطمئن هستیم که این کنفرانس میتواند

* ادعای نامه ایران ...

کنفرانس آقای سلامتیان دبیر کل کنفرانس به هیئت های نمایندگی خوش آمد گفت. و اظهار داشت شرکت شما در این کنفرانس نشانه احترامی است که برای حقوق حاکمیت مردم و هم چنین برای تقویت صلح و استقرار عدالت در جهان قائل هستید.

آقای سلامتیان افزود در این کنفرانس ما برآن هستیم که به همراه شما تاریخ حضور و فعالیت های آمریکا در ایران را عمیقاً بررسی کنیم ما امیدواریم به جهانیان این واقعیات را نشان دهیم که برای دهه ها سال سرنوشت ملت مانه براساس اراده مردم ایران بلکه در نتیجه تصمیمات متخذه در پنتاگون و دفتر ریاست جمهوری آمریکا تعیین می شده است.

انقلاب اسلامی ما به رهبری امام خمینی این روش شرم آور را از میان برداشت. و به مردم ما فرصت داد که با آزادی کامل سرنوشت و راه آینده خود را انتخاب کنند ولی متأسفانه ایالات متحده خواست واقعیات انقلاب ایران را درک کند. امپریالیسم آمریکا که در نتیجه سقوط حکومت دیکتاتوری شاه مخلوع منافع عظیمی را در ایران و منطقه از دست داده بود و در نخستین روزهای کسب آزادی ملت ایران به انواع توطئه ها و تحریکات دست زد تا اساس جمهوری اسلامی را متزلزل سازد. از این پس نیز لحظه ای از تعقیب این سیاست انصراف حاصل نکرد و حمله اخیر و نافرجام آمریکا به ایران نقطه اوج توطئه های مستمر

در تعقیب صلح و تضمین حقوق حاکمه ملی جهان موثر واقع شود.

پس از پایان سخنرانی آقای سلامتیان، پیام امام خمینی توسط وزیر امور خارجه کشورمان قرائت شد سپس رئیس جمهور سخنرانی کرد. قسمت هایی از پیام امام و سخنرانی رئیس جمهور، آقای بنی صدر در همین شماره به چاپ رسیده است.

بنا به اطلاع واصله علیرغم دستور و تهدیدهای کارتر، یک گروه ده نفری آمریکایی که از جمله اعضاء آن "رمزی کلارک" دادستان کل سابق آمریکا است، بی توجه به تصمیم دولت آمریکا در کنفرانس شرکت می کند.

هیئت های نمایندگی از میان احزاب، جمعیت ها، سازمانهای رهایی بخش و شخصیت های برجسته کشورهای که در زیر عده های از آنان را نام می بریم، دعوت شده اند: ایران - الجزایر - ایتالیا - آلمان - اریتره - اردن - آلبانی - آمریکا - اسپانیا - انگلستان - اتریش - بحرین - بلژیک - برزیل - بلغارستان - پاکستان - پولیساریو - ترکیه - تایلند - چکسلواکی - ژاپن - سوئیس - سری لانکا - سوریه - سوئد - شوروی - شیلی - عراق - عمان - عربستان - فیلیپین - فرانسه - فلسطین - کوبا - گرانادا - لبنان - لیبی - لهستان - مالزی - مجارستان - مکزیک - مصر - ویتنام - ونزوئلا - هنگ کنگ - هندوستان - یمن جنوبی - یونان - یوگسلاوی.

برنامه بعد از ظهر دیروز کار کنفرانس ارائه ادعا نامه ایران علیه امپریالیسم آمریکا بود که خطوط اساسی آن را دبیر کل کنفرانس تشریح کرده اند. کنفرانس در روزهای آینده تا ۱۵ خرداد بکار خود ادامه خواهد داد.

ما امیدواریم که این کنفرانس بتواند در افشاء بیشتر عملکرد سیاست های امپریالیسم آمریکا، جلسہ پشتیبانی برای انقلاب ایران و گسترش جبهه جهانی ضد سلطه جویی ابرقدرت ها گامهای مهمی به پیش بردارد.

* چرا باند کیانوری ... *

بقیه از صفحه ۱

۱- حزب توده از مراسم پرشکوه بزرگداشت ۱۵ خرداد سخت بیمناک است، زیرا این مراسم بسی تردید مراسم افشای نه تنها امپریالیسم آمریکا، بلکه همچنین مراسم افشای مواضع خائنانه و ضد انقلابی شوروی و حزب توده در قبال جنبش ۱۵ خرداد خواهد بود. باند کیانوری باید به خلق توضیح دهد که چرا و چگونه هم بیمان با اربابان روسی خود به جنبش ۱۵ خرداد و روحانیت مترقی و امام خمینی برجسب "ارتجاعی و فئودالی" زده و از رقمهای نواستعماری شاه و امپریا لیسیم آمریکا که توده های خلق برای مبارزه با آنها جان خود را فدا کردند، پشتیبانی به عمل آورد؟ باند کیانوری از این پاسخ گویی می گریزد، از خشم خلق و نیروهای استقلال طلب می ترسد و مراسم ۱۵ خرداد را تحریم میکند.

۲- برگزاری مراسم ۱۵ خرداد در دانشگاهها علت دوم تحریم باند کیانوری است. اکنون که ستادهای عملیاتی گروهکهای انقیاد طلب

روسی و در راس همه آنها وابستگان به باند کیانوری از دانشگاه ها برجیده شده و نیروهای استقلال طلب میروند تا اختیار امور را به سود استقلال کشور و ادامه انقلاب و انجام انقلاب فرهنگی و آموزشی در مراکز عالی آموزشی و دانشگاهها در دست گیرند، سرسپردگان مسکو به عبت میکوشند تا باتوسل بسه شیوههایی نظیر بایکوت تظاهرات ضد امپریالیستی و ایجاد محیط ارباب علیه استقلال طلبان مسلمان و کمونیست، در جهت خلاف استقرار جو و حاکمیت خط ضد امپریالیستی نه شرقی نه غربی در دانشگاهها عمل کنند.

۳- باند کیانوری اعلام میکند که " در روزهای ۱۴ و ۱۵ خرداد در هیچ اقدامی مشارکت نخواهد داشت." منظور عمل مسکو البته اینست که در هیچ اقدام ضد امپریالیستی مشارکت نخواهد داشت، وگرنه شرکت آنان در باند های جماعی زنی، امروز دیگر بیش از پیش بر نیروهای استقلال طلب آشکار شده است (رجوع شود به سرمقاله های "جمهوری اسلامی" شنبه و یکشنبه ۱۰ و ۱۱ خرداد). ما همواره گفته ایم و میگوئیم که در پشت سر

باند های جماعی زنی، عمل روس و آمریکا قرار دارند که عناصر ناآگاه و غیر مسئول را تحریک کرده و به ایجاد درگیری و تشنج وامیدارند. ما دست عمل روس و باند کیانوری را در این عملیات تخریبی از جمله آن عملیاتی که مستقیماً متوجه حزب ما است و در این اواخر نیز تشدید شده بروشنی می بینیم.

ما تهدیدات فاشیستی عملی و زبانی عمل روس را جدی می گیریم زیرا به تجارب تاریخی توجه میکنیم و به ماهیت عمیقاً ضد انقلابی و فاشیستی باند کیانوری آگاهیم.

ما به همه نیروهای استقلال طلب هشدار میدهم و آنها را دعوت به هشیاری بازهم بیشتر در برابر عمل ابرقدرت روس میکنیم. ما ایمان داریم که خلق دلاور ما و کلیه نیروهای استقلال طلب، صفوف خود را در روزهای ۱۴ و ۱۵ خرداد متحد تر و فشرده تر خواهند کرد و هرگونه توطئه و درگیری و اغتشاش و تشنجی را چه از جانب عوامل بعث عراق، چه از جانب عمال دوا بر قدرت، با شکست مفتضحانه روبرو خواهند کرد.

دبیرخانه حزب رنجبران ایران ۵۹/۳/۱۲

سلطه سیاسی، اقتصادی و نظامی خویش را بر میهن مباحث می نمودند. آنچه از رژیم سابق بجای مانده است، اقتصادی کاملاً وابسته و انگلی است. بدون دگرگون کردن این نظام اقتصادی، بدون بوجود آوردن شرایط شکوفایی یک اقتصاد خودکفا و متکی به خود، امکان بیرون آمدن از زیر سلطه اقتصادی امپریالیسم غیر ممکن است. ما میتوانیم هزاران شاره ضد امپریالیستی و یا ضد امریکایی بدیهیم، میتوانیم دست به رادیکال ترین عملیات علیه امپریالیسم بزیم و شدیدترین قطعنامه ها علیه امپریالیسم آمریکا صادر کنیم، اما اگر اینکارها با پایه ریزی یک اقتصاد ملی که بتواند بندهای وابستگی به امپریالیسم را ببرد همراه نباشد، ما در واقع ضربه ای به امپریالیسم وارد نکرده ایم. در شرایطی از پیروزی انقلاب که دوران سازندگی، دوران قاطع عملی دستهای جناحین امپریالیسم از شئون مختلف زندگی اجتماعی میهن ما است، تنها از طریق شکوفایی اقتصاد ملی و بسیج کلیه نیروهای ملی و بین المللی که در مبارزه اقتصادی علیه امپریالیسم متحد ما میباشند، میتوان قدمهای موثر عملی علیه امپریالیسم برداشت.

۳- امپریالیسم آمریکا با استفاده از ضعف ما که عمدتاً ناشی از عدم وحدت خلق بود، توانست سلطه شوم خود را برای مدت طولانی بر میهن ما اعمال کند. پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد که وحدت میلیونها انسان انقلابی را هیچ نیروی اهریمنی یارای شکست دادن نیست. اکنون نیز در تداوم انقلاب که همچنان در رویارویی با امپریالیسم و بویژه دوا بر قدرت بجلو میروند. بروشنی میتوان دید که وحدت خلق شرط حیاتی و اساسی مبارزه ضد امپریالیستی است. این وحدت که اساس آن وحدت سه جریان تاریخی در جامعه ما یعنی اسلام مبارز، ملی گرای مترقی، و سوسیالیسم انقلابی بر اساس سه اصل خلق یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی میباشد باید وحدت در رهبری و وحدت در صفوف میلیونی توده ها را تضمین نماید. عملی نشدن وحدت سه جریان اجتماعی و یا عدول از سه اصل خلق تشنج در صفوف رهبری و توده ها را دارا می سازد. برای نفوذ امپریالیسم و توطئه های ناشی از این نفوذ فراهم میسازد.

تعدد مراکز قدرت که فرماندهی مملکت را عملاً قلع ساخته است، اختلال در جبهه خلق که عمدتاً از طرف انحصار طلبان و انقلابی نایبی اعمال میگردد و به صورت کنار گذاشتن بعضی نیروهای خلقی از جبهه اتحاد بزرگ ملی و یا برجسب "سازشکاری" و "امریکایی" زدن به بعضی نیروهای ملی جلوه گر میشود، نادیده گرفتن حقوق زحمتکشان که ستون فقرات و اساس استقلال و حاکمیت ملی در میهن ما میباشد، عدم تضمین دموکراسی و خودکامگی های ضد دموکراتیک و ... اینها همگی در صفوف متحد خلق اختلال کرده و از نیروی انقلاب در مصاف با امپریالیسم میکاهند.

۴- انقلاب ایران جدا از جبهه بین المللی مبارزه علیه امپریالیسم و بویژه جبهه ضد سلطه گرائی دوا بر قدرت آمریکا و روسیه نمی باشد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران بی شک علاوه بر عوامل داخلی تا حد معینی مرهون مبارزات خلقها، ملل و کشورهای جهان و بویژه جهان سوم علیه امپریالیسم می باشد. ما هم اکنون در سطح جهانی دارای متحدین نزدیک و بالقوه مقتدری هستیم این متحدین ما در حله اول خلقها و کشورهای جهان سوم می باشند، یعنی کشور هایی که همچون ما سالهای طولانی اسنگه از ستم امپریالیستی در عذابند و قهرمانانان علیه سلطه طلبی آمریکا و روسیه می جنگند. منافع انقلاب ایران و منافع مجموعه بشریت مترقی ایجاب می کند که تجربه جمهوری اسلامی ایران در مبارزه ضد امپریالیستی خود به بخش فعالی از جبهه بین المللی مبارزه ضد امپریالیستی تبدیل شود و از توان این جبهه برای ضربه زدن به دشمنان اصلی خود یعنی دوا بر قدرت استفاده کند.

حلقه مرکزی این جبهه را در شرایط کنونی و با توجه به ویژگی انقلاب ایران، جبهه کشورهای اسلامی تشکیل میدهد. تجربه کنفرانس دول اسلامی در پاکستان نشان داد که چه نیروی عظیمی را در سطح چنین کنفرانسهایی و در وحدت فشرده کشورهای اسلامی میتوان علیه امپریالیسم بسیج نمود. دولت جمهوری اسلامی ایران باید با اتخاذ یک سیاست خارجی مدون و دقیق که رکن اساسی آن بروحدهت با جهان سوم و بویژه کشورهای اسلامی استوار باشد، در جهت بسیج این نیرو مبارزه کند.

در شرایط مناسب ملی و بین المللی کنونی ما قادریم با اتخاذ سیاستهای درست در صحنه ملی و بین المللی، با تکیه به مشی اساسی "نه شرقی، نه غربی و با تأکید بر فشرده سازی صفوف خلق، توطئه های دوا بر قدرت جناحینار آمریکا و روسیه را خنثی نمائیم و گامهای موثری علیه سلطه جوئی این دو غارتگر بزرگ برداریم.

ما امیدواریم که "کنفرانس بررسی جنایات آمریکا و مبارزه علیه سلطه جوئی ابر قدرتها" بتواند قدمهای استواری در این جهت بردارد. با چنین آمیدی برای کنفرانس آرزوی موفقیت میکنیم.

دهند. آنچه دولت میهن ما را تهدد، اسناد بسیار ناچیزی است که عمل دولت آمریکا نرسیده اند تا آنها را محسو کنند، و اسنادی است که حتی بعد از سقوط شاه، در با صلاح سفارت آمریکا، موجود است. با آنکه اکثر اسناد مهم بدست کارمندان این با صلاح سفارتخانه بود رسیده است که امکان استفاده از آنها دیگر نیست، ولی آنچه بدست آمده است دخالت آمریکا را در کشور ما ثابت میکند.

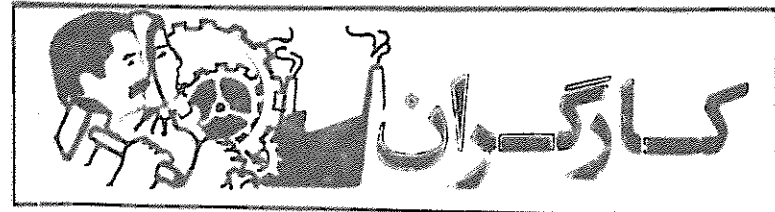
مستشاران آمریکا در مقدرات کشور مظلوم ما دخالت های مستقیم داشتند تا تحمیل کا پیتولاسیون بر ملت

مظلوم ما بوسیله شاه مخلوع سابق، از بزرگترین جنایات آمریکا بود که با مخالفت روحانیون و ملت متدین، مواجه گشت و از آن پس، چه ستمها و چه جنایات که بر ملت ما وارد شدند. شما آقایان نمایندگان بدانید سفارت آمریکا که بدروغ نام آنرا سفارتخانه گذاشته اند دارای دستگاهاشی است که مخصوص جاسوسی در ایران و منطقه است. و این محل برای جاسوسی و دخالت در مقدرات کشور ما تاسیس شده بود.

پیاپی کردن قوای نظامی در کشوری مستقل، جرمی است نابخشودنی، و بار دیگر کارتر گفته است دوا بره در ایران دخالت نظامی میکنیم.

باید بگویم ملت ما آنچه تا کنون از اکثر دولتها دیده است طرفداری از ظالم محکوم نمودن مظلوم میباشد ملت ما اکنون، چشم به شما نمایندگان دوخته اند که برای رسیدگی بجرائم آمریکا و شاه مخلوع با ایران آمده اید و از شما امید عدل و انصاف دارم. ما امیدواریم که نتیجه این بررسی محکوم نمودن ظالم باشد.

از خداوند متعال نجاسات مستضعفین جهان را خواستارم. والسلام علی من اتبع الهدی روح الله الموسوی الهمینی ۱۱ خرداد ۵۹



شورای کارخانه درخشان کارگران را با برچسب «ضد انقلاب» اخراج میکنند

یازده تن از کارگران کارخانه پلاستیک سازی درخشان، به دستور شورای کارخانه مزبور وبدون دلیل و با برچسب ضد انقلاب در تاریخ ۲۶ اردیبهشت اخراج شدند که علت واقعی اخراج این کارگران درخواست برگزاری یک انتخابات آزاد برای تعیین اعضاء جدید شورای کارخانه بود.

بسیار روز قبل، اعلامیه‌ای از طرف شورا بدیوار قسمت های مختلف کارخانه چسبانده شده بود که در آن نوشته بودند که مدت نمایندگان شورا تمام شده و عنقریب انتخاب اعضاء

جدید شورا شروع خواهد شد. در این اطلاعیه ضوابط انتخاب نمایندگان که از طرف شورا عنوان شده بود مورد اعتراض این کارگران قرار گرفت. یکی از این شرایط داشتن دوسال سابقه کار بود که در آن صورت نصف کارگران راکه حدود ۲۲۰ نفر هستند، از انتخاب شدن محروم می‌نمود.

اعضای قدیمی شورا که میخواستند یا خود انتخاب شده و یا چند نفر از طرفداران شان انتخاب شوند، مورد اعتراض کارگران قرار گرفتند. کارگران کارخانه درخشان

میخواستند که این محدودیت دوسال سابقه کار از بین برود و کارگران نی انتخاب بشوند که صرف نظر از سابقه کار، مورد قبول کارگران باشند. شورای کارخانه هیچ توجه ای به اعتراضات کارگران نکرد و در عوض اقدام به برگزاری مجمع عمومی متشکل از همه کارگران نمود. این جلسه که از قبل تدارک دیده شده بود با سخنرانی یکی از حاضرین درباره تصفیه عناصر ضد انقلاب و پاکسازی آغاز شد و طی آن گفته شده‌مانطور که در کردستان پاکسازی میشود، در این کارخانه نیز ضد انقلاب باید پاکسازی شود. جلسه باتکیه های تحمیلی پایان یافت و به کارگران دیگر اجازه حرف زدن دادن نشد.

بعداد ظهر همان روزی که مجمع عمومی برگزار شده بود، شورا نام یازده تن از کارگران را بعنوان ضد انقلاب اعلام کرده و آنها را از کارخانه اخراج نمود. کارگران اخراجی که از این زورگویی شورا به خشم آمده بودند دست به اعتراض زدند ولی بوسیله پاسداران از کارخانه اخراج شدند. این کارگران (بجز دوتن) تاکنون سرگردان هستند و هیچ مرجعی مسئولیت رسیدگی به این اجحاف را بعهده نگرفت است.

نامه یک کارگر خطاب به وزیر کار

خانه های خیالی وزیر کار با اجاره ۳۰۰ تا ۴۰۰ تومان در کجای دنیا قرار دارد؟

کارخانه ما لزومی نمیبیند که حتی این بخشنامه ضد کارگری را هم بطور کامل اجرا کنند. و حق مسکن باین تراز مقداری است که وزارت کار قرارداد داده است. ما کارگران میدانیم که حتی برای گرفتن حق مسکنی که نسبت به آن معترض هستیم نیز باید سخت مبارزه کنیم. ملاحظه می کنید که نه تنها حق گرفتنی است، بلکه حتی ناحق هم گرفتنی است.!

در حالیکه رهبر انقلاب مکررا میگوید که رسیدگی به وضع مستضعفان و زحمتکشان را در راس کارهایتان قرار بدهید، شما بدون هیچ مسئولیتی و با خیال راحت میگوئید که حق مسکن برای کارگران مجرد ۲۰۰ تومان، برای کارگران متأهل ۳۰۰ تومان و برای متأهلین با فرزند ۴۰۰ تومان است!! معلوم نیست که این خانه های خیالی با این اجاره هادر کجای دنیا قرار دارند؟!

نامه زیر راکه خطاب به وزیر کار است دوستی ضمن مراجعه به دفتر "رنجبر" برای نشریه داده است.

"آقای وزیر کار روی سخنان شماست، یا شما که طرفدار همه کار فرمایان هستید. سؤالی که من دارم اینست که موقیعه داشتید بخشنامه مربوط به حداقل دستمزد و حق مسکن را مینوشتید، کجا بودید؟ آیا در یک خانهای با اجاره ۳۰۰ یا ۴۰۰ تومان در ماه بودید؟"

و اما در کارخانه ما، مسئولین

قانون جدید کار باید بنفع طبقه کارگر و با شرکت نمایندگان واقعی کارگران تدوین شود!

کنگره سراسری «شوراهای اسلامی کارگران ایران» پایان یافت

کنگره سراسری "شوراهای اسلامی کارگران ایران" با صدور قطع نامهای ۱۶ ماده‌ای بکار خود پایان داد. این کنگره با شرکت عده زیادی از کارگران و نمایندگان شوراهای اسلامی کارگران سراسر ایران در اصفهان تشکیل شد و در طول جلسات این کنگره عده‌ای از شرکت کنندگان در مورد مسائل ومشکلات کارگری متحمله قانون جدید کار سخنرانی کردند. چند بند از قطعنامه ۱۶ ماده‌ای که از طرف کنگره سراسری "شوراهای اسلامی کارگران ایران" صادر شد عبارتست از:

- مابشقیانی بی دریغ خود را از مجلس شورای اسلامی و مقام ریاست جمهوری اعلام نموده و خواستار دفاع از حق و حمایت از مستضعفان میباشیم
- کنگره خواستار تدوین قانون کاری است که در تهیه و تدوین آن کارگران مشارکت واقعی داشته باشند
- ما از دادگاههای انقلاب اسلامی خواستار رسیدگی هر چه زودتر به اموال سرمایه داران و صاحبان صنایع می‌باشیم.
- ما پشتیبانی خود را از سیاست پیگیرانه دادگاههای مبارزه با مواد مخدر به ریاست آیت الله خلیلی اعلام می‌داریم.
- ما خواهان رفع هرگونه تبعیض بین کارگران و کارمندان بخصوص در مورد ساعت کار و حداقل دستمزد و بیمه و تعطیلات و مزایا میباشیم.
- ما خواهان لغو فوری ماده ۳۳ قانون کار طاغوتی می‌باشیم.
- ما خواهان ایجاد بنگاههای کار و بیمه بیکاری میباشیم.
- ما حمایت بی دریغ خود را از کلیه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در مبارزه با امپریالیسم شرق و غرب و عوامل دست نشانده داخلی آنها اعلام می‌داریم.
- ما حمایت بی دریغ خود را از سپاهان ستم‌دیده و غیور آمریکا و مردم جنگ زده کره و مسلمانان تحت ستم افغانستان، اریتره، فلسطین و عراق و تمام نهضت‌های رها تیب‌بخش جهان اعلام می‌داریم.

نگاهی به ...

صفحه در صفحه ۱

شده بود... (اینک) اقبالی وسیع و چشمگیر از جانب روشنفکران انقلابی به مارکسیسم لنینیسم که حالا باید با نام واندیشه‌های رفیق مائو عجین شده است، مشاهده میشود. (مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک- چاپ سوم- ص ۲۱-۲۲).

علاوه بر احمد زاده فدائینی چون علیرضا نابدل و حمید مومنی نیز نه تنها علیه رویزیونیسم و حزب توده موضع داشتند بلکه عملاً به ماهیت امپریالیستی روسیه نیز معترف بودند. (مثلاً رجوع شود به جزوه نابدل: آذربایجان و مساله ملی و نوشته حمید مومنی: گرایش به راست در سیاست خارجی چین).

پس از ضربات شدیدی که سازمان از رژیم منقور وابسته و دستگاه جهانی ساواک خورد و منجر به شهادت کادرهای اولیه گردید، تدریجاً از طریق زندانها، خط مشی نوینی که توسط بیژن جزنی فرموله گشته بود، بر سازمان چیره گردید. ویژگی این مشی نداشتن مرزبندی با رویزیونیسم و کوشش در سازش دادن مارکسیسم لنینیسم با رویزیونیسم بود. جزنی تضاد عمیق ایدئولوژیک میان مارکسیسم لنینیسم، اندیشه مائوسهدون و رویزیونیسم خروشچی را ساده کرده و این تضاد و بنیادش را ناشی از "رقابت کسب‌وکارهای سوسیالیستی برای بدست گرفتن رهبری دانسته و ندای لزوم اتحاد بین آنها را سر میدهد (بیژن جزنی - کلیات - ص ۲۰۰ و ۲۰۱).

جزنی سالها پس از انشعاب بزرگ رویزیونیستهای مدرن در جنبش کمونیستی جهان و تلاش اردوی سوسیالیسم، شوروی را هنوز سوسیالیستی دانسته و نظریه رویزیونیستی تضاد بین دو اردوگاه را با زهم تکرار میکند: جنبش‌های بخش ملی، درین مرحله از رشد خود (پس از جنگ دوم) توانست از توازنی که بین اردوگاه سوسیالیستی و اردوگاه امپریالیستی برای اولیین بار بطور نسبی بوجود آمده بود، برای تهاجم به امپریالیسم و رسیدن به پیروزی استفاده کند... این به منزله رابطه ارگانیک دو تضاد مهم جهانی بایکدیگر بود. رابطه‌ای که طی دوده بعد نیز هر روز نمود بیشتری از آن در جهان ظاهر شده است. (کلیات - ص ۱۹۱ - تاکید از ماست).

میدهند و چهره دوستانه به آن نشان میدهند. همان زمان "رنجبر" نوشت:

"رهبری غاصب چریکهای فدایی با تعیین امریکا بعنوان دشمن عمده و معرفی امپریالیسم روسیه بعنوان دوست سعی دارد تا جنبش ضد امپریالیستی خلق ما را به عوض پیمودن یک راه مستقل از دو ابر-قدرت قدرت به سوی اتحاد با نیروهای امپریالیسم روسیه کشانده و آن را چون نیرویی در این اردوگاه در نبردش با نیروی امپریالیسم امریکا، درآورد." (رنجبر- دوره اول - شماره ۲۹ مهر ۵۸).

پلنوم سازمان چریکها در مهر ماه ۵۸ با نفی منتهی‌های گذشته حاکم بر سازمان، "خط روسی" و رویزیونیستی رهبری جدید را تحکیم مینماید. و بدنبال آن رهبری غاصب چریکها تا بدانجا پیش رفت که بشرمانه به دفاع از تجاوز سوسیال امپریالیسم و سرکوبی خلقهای افغانستان میپردازد: "حمایت مستقیم اتحاد شوروی از دولت جدید افغانستان واقعیتی متناقض را در خود دارد. این واقعیت از یکسو بیانگر آن است که اتحاد شوروی در برابر دسیسه فئودالها و نیروهای ارتجاعی منطقه به دفاع از حکومتی برخاسته است که در جهت منافع توده‌های مردمی عمل میکند که به منافع تاریخی خود آگاه نیستند و از سوی دیگر بیانگر شکست "حزب پرچم" در جلب

اعتماد توده‌هاست." (کار شماره ۴۰ دیماه ۵۸). در واقع رهبری غاصب سازمان چریکها با این استدلال از یک سو وفاداری خود را بطور رسمی به سوسیال امپریالیسم روسیه اعلام میدارد و از سوی دیگر به آنان ندا میدهند که از حزب "پرچم" ایران (باند کیانوری) بهتر میتوانند در جهت اعمال منافع آنان قدم بردارند.

پس از این قدمهای پیاپی به سوی سوسیال امپریالیسم، رهبری سازمان چریکها که میراث خوار، شهادی پر افتخار "سازمان چریکهای فدایی خلق" است با چیرگی موقت بر مخالفت‌های درونی، به کلیه اتهامات خود در برابر سوسیال امپریالیسم پایان داده و وابستگی کامل خود را به آن طی مقاله‌ای در کار ۵۶ اعلام میکنند. آنان مبارزه اردوگاه سوسیالیستی را با "اردوگاه امپریالیستی" یکی از تضادهای عمده جهان میدانند و میگویند: "جبهه انقلاب فتنشک است از سیستم جهانی سوسیالیستی، جنبش جهانی طبقه کارگر و جنبش‌های بخش خلقهای



دهقانان کوشک (شیراز):

چرا ۲۰۰ هکتار زمین مزروعی فروغ الملک قوامی را برای کشت و کار در اختیار ما نمی گذارند؟

چندتن از اهالی "کوشک" در تماسی که با دفتر "رنجبر" در شیراز گرفتند فتوکپی نامهای را که در تاریخ ۵۸/۹/۱۲ به استاندار فارس و دادگاه انقلاب اسلامی شیراز داده بودند در اختیار ما قرار دادند. این نامه حدود ۴۰ اثر انگشت، مهر و امضاء اهالی این محل را دارد.

در این نامه آمده... " این جانبان امضاء کنندگان زیر که خوش نشین می باشیم و فاقد زمین زراعتی و معاش روزمره می باشیم ساکن کوشک می باشیم... در این منطقه... زمین زراعتی به مساحت ۲۰۰ هکتار... وجود دارد و در این منطقه فروغ الملک قوامی چاه صیفی زده است و سران را پوشانده و زمین مزبور هم لم یزرع میباشد. چون این زمین را از هر نظر میتوان مورد کشت و برداشت قرار داد و ما افرادی می باشیم بدون زمین زراعتی اکنون تمام شرکت ها و موسسات که قبلا با کارگری زندگی خود را اداره می نمودیم هم تعطیل میباشد و فاقد معاش روزمره می باشیم. حاضریم زمین مزبور به هر صورتی که نظر مالک آن یاد دولت باشد مورد استفاده قرار داده و کشت و برداشت نمائیم تا از این رهگذر زندگی خود و عائله مان تامین گردد. امید است آن مقام در این مورد موافقت نمایند و به ما اجازه داده شود تا برابری سایر زارعین منطقه زندگی ما تأمین گردد..."

یکی از اهالی این ده می گفت: که فروغ الملک قوامی مالک بزرگ این ناحیه برای جلوگیری از رسیدن این زمینها به خواست برحق شان روی روستایی زحمتکش در مورد وضع گذران خود گفت که حتی این امکان

ندارم که روی سقف خانام را که گل کنم. او می گفت: " ماکتوم از کردستان نیستیم، فقط میخواهیم شلوغ نشود. هیچکس به فکر نیست. اصلاً انگار ما مال ایران نیستیم...". جنبی حق طلبانه دهقانان برای بدست آوردن زمین در روستا های فارس طی ۱۵ ماه گذشته پس از انقلاب وجود داشته و هر روز ایجاد تازه ای می یابد. دهقانان زحمتکش خواهان صادرة زمین فتودال ها و زمینداران بزرگ طاغوتی و توزیع این زمینها بین دهقانان بی زمین و کم زمین هستند.

این دادگستری طرف ماست یا زمینداران طاغوتی؟

روز ۲۷ اردیبهشت ماه حدود ۱۵ نفر از جانب چهار خانوار از دهقانان کرگان برای شکایت علیه عظیم زاده (سرهنگ بازنشسته ضد اطلاعات) که سه سال بر روی زمین هایش کار کرده اند. در دادگستری تجمع کرده بودند. یکی از آنها در گفتگو با خبرنگار، رنجبر چنین می گفت:

" حدود سه سال روی زمینهای این شخصی کار کردیم، پس از انقلاب ما را اخراج کرد ولی ما موفق شدیم از "هیئت ۵ نفری نظارت بر زمین نامهای مبنی بر ماندنمان بر روی زمین ها دریافت کنیم. بعد از این جریان او سعی کرد ما را باهر خانوار ۱۰۰۰۰ تومان رد کند ولی ما قبول نکردیم تا اینکه بالاخره یک روز به سراغ من آمدند، به بهانه اینکه سرهنگ میخواهد با تو صحبت کند مرا به محلی بردند و من از دستشان فرار کردم. بعد از اینکه ۱۵ روز از شکایت ما گذشته است هنوز به پرونده ما رسیدگی نکرده اند. آخر سر هم آقای دادیار بمن گفته است: " میدانم که آنها میخواهند علیه تو توطئه کنند ولی شما کوتاه بیایید!؟"

حالا من می پرسم این دادگستری طرفدار ماست یا زمین داران طاغوتی؟



دش خود احساس کرده اند، پس از پیروزی انقلاب دیگر حاضر نیستند که در روی همان یا شنه سابق بچرخد. آنها خواهان آن هستند که وضع سابق دگرگون شود و به ملاکان مفتخور و انگل اجازه داده نشود که زمین - این منبع عظیم غذای دهقانان - را که وی مصرف بیفتد.

اگر مقامات مسئول در کنار دهقانان قرار نگیرند و به این خواست و جنایتکار قرار داشته اند و تازیهانه بیرحمی و قساوت خانها، کلانتران، کتبا و عهله و کراهه فتودالها را بر خود را راسا خواهند گرفت.

روستای دوک (قائم شهر): زمینهای مزروعی ما بعلت کم آبی در حال نابودی است ولی مقامات مسئول هیچگونه اقدامی برای ما نمی کنند

با چند تن از روستائیان روستا دوک از توابع شهرستان قائم شهر صحبتی داشتیم و آنان قسمتی از مشکلات خود را برای ما چنین طرح کرده اند:

مشکل اساسی مادر بهار امسال که فصل شروع کشت و کار میباشد مشکل کم آبی است که ما با آن مواجه هستیم. مقدار زیادی از زمین ها شالیزار است. شالیزار احتیاج زیاد و مستمر به آب دارد و کمبود آب باعث نابودی ساقه های برنج میشود. آب مصرفی برای مزارع روستا دوک از چشمه تامین میشود. مدتی است که آب چشمه کم شده و در نتیجه کفاف روستای ما و چند روستای دیگر را نمیدهد و زمین های مزروعی ما در حال نابودی قرار گرفته است.

عده ای از دهقانان، زمین های زراعتی را بدلیل بی آبی بحال خود رها نموده اند. این امر هم باعث اخلال در امر تولید مواد غذایی که مردم ما احتیاج مبرم آن دارند شده و هم وضع معیشتی روستائیان را دچار اشکال نموده است. دهقانان این روستا در ناراحتی و اضطراب بسر می برند. تا بحال چندین بار به اداره آبیاری و اداره کشاورزی مراجعه نموده ایم ولی مقامات مسئول هیچگونه اقدامی برای حل مشکل دهقانان انجام نداده اند.

دهقانان میگویند که تنها با حفر چاه عمیق میتوان این مشکل را برطرف نمود و باعث رونق کار روستائیان در تولید محصولات کشاورزی گردید و از نابودی محصولات جلوگیری بعمل آورد. آنها همچنین معتقد به لزوم کمک و هدایت مقامات دولتی هستند. زیرا خودشان به تنهایی قادر به حفر چاه نمیشوند.

دهقانان خواستار رسیدگی هر چه زودتر مقامات مسئول دولتی در این باره میباشد.

امریالیسم، هنگامیکه بقایای متلاشی شده سازمان کوشش به تجدید تشکیلات داشت، بسیاری از روشنفکران خارج از گود و تازه از راه رسیده که بعضاً دارای گرایش توده ای و روس پرستی و (روسوفیلی) بودند باضافه برخی کادرهای آزاد شده از زندان که آنها نیز گرایش مشابهی یافته بودند، رهبری جدید را در دست خود غصب کردند، اولین کوشش رهبری جدید تطهیر کامل سوسیال امریالیسم بود.

درواقع آنها به دفاع از روسیه امریالیستی برخاستند و آنرا "سوسیالیست" خواندند و ادعا میکردند: " در واقع هواداران نظریه سوسیال امریالیسم یا تحریف اصول مارکسیسم لنینیسم و مخدوش ساختن مرز میان کشورهای امریالیستی و کشورهای سوسیالیستی عملاً میکوشند، مبارزات زحمتکشان را که باید بر علیه امریالیسم بویژه امریالیسم آمریکا باشد، متوجه کشورهای سوسیالیستی کنند. " (تئوری سوسیال امریالیسم انحراف از مارکسیسم لنینیسم است کار ۱۸). جالب اینکه هنوز در آن زمان برای حفظ فاصله خود و حزب رویزیونیستی و خائنه خروشچف و دارودسته هواخواه او که در اصول عام و جهانشمول مارکسیسم لنینیسم تجدید نظر کرده اند. موضع میگیرند.

همان زمان مارکسیست لنینیستها این موضعگیری را نقطه عطفی در سیر انحرافات سازمان دانستند و از جمله نوشتند: "رابیگری امریالیسم جهانخوار روسیه و دفاع از آن نشانه ای آغاز کنیدیکی پدیده ای است که از دیرباز نطفه های فساد را در خود نشان میدهد و امروز دیگر از مرحله تزلزل در مقابل رویزیونیسم، به مرحله ی درگیری در جهت قرار گرفتن با آن در مقابل جنبش کمونیستی میهنان "تکامل" یافته است.

(رنجبردوره اول - شماره ۱۷ - تیرماه ۵۸) " این صدای مزدوران شوروی، صدای دارودسته خائن حزب تسوده است که از گلوی رهبران سازمان چریکهای فدایی خلق برمیخیزد، این دست ابرقدرت شوروی است که از استین رهبران "فدایی" بیسرون آمده است. (خلق - دوره اول - شماره ۱۰ مرداد ۵۸).

تدریجاً رهبران غاصب چریکها و ارگان نشان "گار" صحبت از سلطه رویزیونیسم بر روسیه را کنار گذاشتند و باسکوت کامل به تسلیم طلبی در برابر سوسیال امریالیسم ادامه

و زکر و جنبش رهایی بخش خلقهای کشورهای تحت سلطه و نیروی عمده اردوی انقلاب در عصر امریالیسم بی گمان نیروی سوسیالیسم است. (پرولتاریای جهان و کشورهای سوسیالیستی) (کار ۵۶ - هاردی بهشت ۵۹ - تاکید از ماست).

روشن است که وحدت با "نیروی عمده انقلاب" (سوسیال امریالیسم روسیه) در جهت حل تضاد عمده جهان، یعنی تضاد بین باصطلاح اردوگاه سوسیالیسم و امریالیسم وظیفه مبرم رهبری غاصب سازمان قرار میگردد. در این رابطه مشی استقلال طلبانه احمدزاده بطور رسمی طرد میشود: " جریانی که نپذیرد که جنبش جهانی کارگری و کمونیستی نیروی عمده و تکیه گاه اصلی انقلاب است و پایه این امر کم بها دهد و آن را ناچیز شمارد، در واقع هنوز دران حد رشد یافته نیست که بتواند یک جمع بندی واقع بینانه از انقلاب و ضدانقلاب در عرصه جهانی و از سمت گیری تاریخی دنیای معاصر به عمل آورد و عملکرد تلقینات ناسیونالیستی و شوینیستی است که زمینه ساز این تنگ نظری و کوتاه نظری خرده بورژوازی است... تفکر رفیق مسعود سرشار از این ایده هاست. " (کار ۵۹ - تاکید از ماست).

و بدین سان مهرنهایی بر سیر انحطاط سازمان زده میشود. از این روست که مواضع "کار ۵۹" در رابطه با تأیید دولت انقلاب اسلامی نه به خاطر دستیابی به حقیقت و مبارزه ضد امریالیستی خلقهای ما و نه در نتیجه تحلیل مشخص از تضادهای جامعه، بلکه بنا به اعتراف خودشان از سردنبال دوی از سوسیال امریالیسم است که آنها موقتاً منافع خود را در پشتیبانی از دولت کنونی می بینند: " زحمتکشان جهان احزاب و سازمانهای ترقیخواه جهان واردوگاه سوسیالیستی از جنبش ضد امریالیستی مردم ما قاطعانه و بی دریغ حمایت میکنند و عمیقاً نگران سرنوشت آن هستند. " ("کار ۵۹").

ما بانسان دادن مختصر چگونگی سیر انحطاط سازمان چریک های فدایی خلق وریشه انحراف آن، اعضاء و هواداران صادق آن را به مبارزه و مقاومت در برابر رهبری غاصب روس پرست است میراث خواران ناحق افتخارات شهیدای سازمان، دعوت کرده و از آنان میخواهیم تا صادقانه به ریشه انحراف که تزلزل در برابر سوسیال امریالیسم است، برخورد کرده و با مبارزه قاطع خود آنرا بشکستند.

بی شک خلق ما سلطه آمریکا را در همه زمینه ها

بر خواهد انداخت

چگونه و با چه هدفی آمریکا بر ایران مسلط شد؟

کنفرانس بین المللی تهران در شرایطی برگزار میشود که با سرنگون گشتن رژیم وابسته شاه، شرایط تاریخی جدیدی برای قطع سلطه امپریالیسم آمریکا از میهن ما فراهم گشته است. مردم ما مصمم اند این مبارزه تاریخی را تا به آخر به پیش برند.

مردم مادرست میگویند که در ۲۵ سال گذشته ابر قدرت امپریالیستی آمریکا تا آنجا که توانست بوسیله نوکران رنگارنگش و مخصوصا بوسیله رژیم مزدور شاه ملت ما را به خانه خرابی کشاند و ثروت های میهنمان را چپاول کرد. سلطه آمریکا بر ایران، برای ملت ما رفتاری از فقر و بدبختی و چپاولگری بهر اما وارد و جز این نیز انتظار نمیرفت و نمیرود.

امروز به هر گوشه از کشور که بنگری آثارشوم سلطه آمریکا و غارت امپریالیسم جهانی آشکار است. از لباسی که به تن میکنیم، تا چراغی که روشن میکنیم، از اتومبیلی که سوار میشویم تا غذایی که میخوریم، در همه جا جای پای امپریالیسم و مخصوصا ابر قدرت آمریکا دیده میشود. مردم ما درست میگویند که نیل به سعادت جز از راه کسب استقلال کامل ممکن نیست و کسب استقلال کامل یعنی مبارزه بی امان با آثارشوم سلطه امپریالیسم در تمامی زمینها و مخصوصا در جنبه اقتصادی. مردم مادرست میگویند که مبارزه ما برای استقلال بمعنی این نیست که از زیر سلطه آمریکا در آئیم و بزیر یوغ سوسیال امپریالیسم شوروی کشیده شویم. مردم مادرست میگویند که مبارزه علیه دوا بر قدرت جهانخوار آمریکا و شوروی برای استقلال تنها در حرف، شعار و راهپیمایی نیست، بلکه باید این مبارزه در جهت قطع کلیه بندهای وابستگی، در میدان عمل و لاسا " در عرصه تولید صورت گیرد.

مردم ما که با خشم انقلابی خود قدرت سیاسی را از دست وابستگان و نوکران امپریالیسم آمریکا بدو آوردند می خواهند در تمامی زمینها قدرت مخرب امپریالیسم آمریکا را بر اندازند. ما مردم ایران که قلبان برای استقلال و آزادی میهنمان میطیبد برای اینکه بتوانیم به بهترین نحو با بقایای سلطه امپریالیسم آمریکا بجنگیم باید شناخت درستی از چگونگی دست اندازی این ابر قدرت امپریالیستی و هدفهای آن از سلطه گری بر میهنمان داشته باشیم.

خیال دارد جای آمریکا را در ایران بگیرد. آمریکا وقتی کودتای ننگین ۲۸ مرداد را انجام داد و شاه را به قدرت بازگرداند شروع به دست اندازی بر تمام شؤون زندگی مردم ما کرد. نزدیک به ۱/۵ سال پس از کودتای رژیم شاه قرارداد جدید نفتی را با کنسرسیوم امضا کرد و عملاً نفت ایران را به زیر سلطه انحصارات آمریکایی کشید. از پایان جنگ دوم جهانی تا سقوط شاه، آمریکا ۱۷/۳ میلیارد دلار به ایران "گمک" مالی داده است. این "گمک" مالی در واقع چیزی نیست جز فراهم آوردن امکانات در یک کشور برای غارت هر چه بیشتر چه از طریق سرمایه گذاری و چه از طریق فروش کالاهای امپریالیستی برای تخفیف بحرانهای اضافه تولید.

رژیم مزدور شاه میلیارد ها دلار فقط اسلحه و کالاهای نظامی از آمریکا خرید و میلیونها دلار به مستشاران آمریکایی پرداخت تا ارتش ایران را برای اجرای مقاصد ابر قدرت آمریکا، که چیزی نیست جز تضمین سرکردگی بر جهان و سرکوب جنبشهای خلقهای منطقه، تربیت کنند. تهاجم آمریکا برای سلطه هر چه بیشتر بر ایران، پس از ضد انقلاب "سفید" ستایی سریعتر گرفت، بطوریکه روند تضعیف و تخریب بنیادهای اقتصاد ملی و تحکیم وابستگی بازار ایران به امپریالیسم بشدت سرعت گرفت. ایران به صورت پایگاه نظامی آمریکا در منطقه درآمد و حتی در اجرای اوامر کاخ سفید، ارتش شاه روانه ظفار شد و به سرکوب خونین جنبش ملی آن دیار پرداخت. سرتاپای بازارهای ایران را کالاهای امپریالیستی تسخیر کرد، بطوریکه حتی سرنج و گندم را هم مجبور بودیم از امپریالیستها و مخصوصا از آمریکا بخیریم.

آنچه ۲۵ سال سلطه آمریکا بر میهن ما بسمان آورد همین است که میبینیم. تولید ملی ما بسیار ضعیف و بی آمادگیان برای فروش نفت و خرید کالاهای مورد نیاز ما بسیار

پس از فروکش شعله های دومین جنگ جهانی، امپریالیسم آمریکا به برترین نیروی امپریالیستی، به یک ابر قدرت امپریالیستی تبدیل شد. آمریکا سر کرده بخش اعظم جهان شد. لازم بود که این ابر قدرت برای گسترش و تحکیم سرکردگی و سیادت خود بر عرصه های نفوذ قدرت های امپریالیستی و رشکسته اروپا مانند انگلستان جنگ اندازی کند و چنین نیز کرد. ایران ما نیز از جمله کشورهایی بود که تا جنگ دوم زیر سلطه آمریکا نبود و خواه ناخواه این ابر قدرت جهانخوار سعی داشت میهن ما را به اسارت خود در آورد. دلایل این نیت آمریکا یکی همان مسئله اساسی آمریکا یعنی تحکیم و گسترش سرکردگی بر جهان بود. اهمیت جغرافیایی ایران بعنوان یک کشور نفت خیز خلیج فارس که در یک نقطه کلیدی خلیج فارس قرار دارد، برای امپریالیستها اهمیت زیادی داشته و دارد. ضمناً ایران سرشار از منابع طبیعی غنی، بخصوص نفت بوده و هست که همین مسئله یعنی تسلط بر منابع انرژی یکی از تعیین کننده ترین عوامل برای سرکردگی قدرتهای امپریالیستی بر جهان است. در عین حال تسلط بر ایران موجب میشد که ابر قدرت آمریکا بازار نوینی برای صدور سرمایه و کالا بدست آورد.

لنین گفت که یکی از ویژگیهای امپریالیسم رقابت چند قدرت بزرگ برای کسب سرکردگی بر جهان است. میهن ما نیز سالهای سال است که این قدرتهای بزرگ برایش دندان تیز کرده اند. ابر قدرت آمریکا، انگلیس را از ایران بیرون کرد و جایش را گرفت و امروز نیز ابر قدرت شوروی

خوب است. دست به هر کجای مملکت میگذاری سلطه امپریالیسم مجالش کرده. در یک کلام از آنجا که گسترش سلطه و نفوذ امپریالیسم آمریکا بر ایران با رشد، دوام و بقای اقتصاد ملی ما در تضاد اساسی بود، این ابر قدرت بدست سرسپردگانش هر چه توان داشت بکار برد تا اقتصاد ملی ما را به ورشکستگی کشانده، شرایط سرمایه گذاری و فعالیت در رشته های تولید ملی را دشوارتر کرده و واحد امکان ما را به مصرف کالاهای امپریالیستی وادار کنند. برای همین است که امروز کشاورزی کشورمان ضعیف و صنایع ملی ما بیمار و فرتوت است.

صحنه اصلی مبارزه با آمریکا کجاست

راه نجات ما امروز، چه بخواهیم چه نخواهیم در مبارزه پیگیر و بی امان با توطئه ها و تهدیدات دوا بر قدرت و بقایای سرمایه داری وابسته است. در خصوص مبارزه با آمریکا، نباید کوچکترین تردیدی داشته باشیم که صحنه اصلی نبرد، صحنه مبارزه برای شکوفایی اقتصاد ملی، نابودی سرمایه داری و وابستگی بوروکراسی عریض و طویل به ارتش رسیده از زمان شاه است که اساساً در رابطه با تامین نیازهای امپریالیسم بصورت اهرم اعمال سیاستهای سرمایه داری وابسته بوجود آمده است.

دولت جمهوری اسلامی، که یک دولت ملی است برای اینکه بتواند مبارزه با سلطه آمریکا را بدرستی هدایت نموده و سازمان دهد، باید تمامی خلق و مجموعه امکانات مثبت را بسیج نموده، آستینها را بالا زده و قاطعانه به ترمیم و گسترش بنیادهای تولید ملی بپردازد. ایران امروز دیگر پایگاه امپریالیسم آمریکا در منطقه نیست. سیاستهایی که امروز در ایران اتخاذ میشود دیگر سیاستهای منطبق با منافع امپریالیسم و دیکته شده از سوی آن نیست. اما این اولین گام است و بهیچ وجه کافی نیست. وقتی میتوانیم ادعا کنیم که از میدان مبارزه با سلطه آمریکا سر بلند بیرون آمده ایم که حاکمیت خود را بر زندگی اقتصادی خود بدست آورده باشیم، بی شک خلق ستمدیده ایران این امر بزرگ را با تکیه بر نیروی فناناپذیر خود به پایان خواهد برد.

بخشهایی از سخنرانی

رئیس جمهور

دو کنفرانس بین المللی تهران

مشخصه عمده سیاست نو استعماری که پس از رشد جنبشهای استقلال طلبانه و بمطوّر مقابله با این رشد توسعه یافت حفظ اساس رابطه استعمار و غارت و تغییر ظاهر و قالب آن به ترتیبی بود که ملل در بند را فریفته استقلال ظاهری از تداوم و عمق بخشیدن به مبارزه استقلال واقعی باز دارد.

تاریخچه و سیاهه نفوذ و سلطه امپریالیسم آمریکا بر میهن ما

مستشار آمریکایی در ارتش ایران موجود بود.

۱۲۵۷ شمسی - از سال ۱۳۴۷ تا زمان فرار شاه مخلوع از ایران جمعا حدود ۲۱ میلیارد دلار اسلحه از دولت آمریکا خریداری شده است. این مبلغ بابت سفارشات دولت که طی ۹۴۵ قرارداد خرید بین دولت ایران و آمریکا امضاء شده است.

کسیل داشت. طبق قراردادی که در پایان سال ۱۳۲۲ بین ایران و آمریکا بسته شد، دولت ایران متعهد شد که کلیه ارتشیان و افسران، تحت کنترل و آموزش هیچ مقام کشوری جز این هیئت نظامی آمریکا قرار نگیرند. ۱۳۲۲ شمسی - قرارداد ساعد - دریفوس که طبق آن بنا شد یک هیئت مستشار، آمریکا با تعیین

هکتار زمین و ۴۲۵۰۰۰۰۰۰ ریال سرمایه که ۹۷/۵ درصد آن به خارجی ها و ۲/۵ درصد به ایران تعلق دارد. ۵۱ درصد متعلق به نفتی، ۳۰ درصد متعلق به فرست نشنال سیتی بانک نیویورک. ۱۳۵۱ شمسی - تاسیس شرکت پوشکو با مشارکت شرکت آمریکایی نفت

آنچه که در زیر میاید بخشی کوچکی از کارنامه سیاه بیش از نیم قرن جنایات، چپاولگری ها و استعمار و استثمار وحشیانه خلق ایران توسط امپریالیسم خونخوار آمریکا است. استثمار و چپاولگری آمریکا در ایران عمدتاً در زمینه های اقتصادی، نظامی و سیاسی بوده است. از این رو کارنامه سیاه جنایات آمریکا،

بعضی وسیله‌ها بود. در این روز کارنامه سیاه جنایات آمریکا در ایران را در این سه زمینه به تفکیک می‌آوریم.

اقتصادی

۱۲۹۸ شمسی - کوشش آمریکا برای نفوذ در ایران اولین بار در سال ۱۲۹۸ شمسی توسط شرکت نفتی راکفلر برای کسب امتیاز نفت شمال انجام گرفت.

۱۳۱۴ شمسی - بیگ هیئت تحت رهبری میلیسیو ظاهر برای سروسامان دادن به اوضاع اقتصادی به ایران آمد. ۱۳۲۲ شمسی - هیئت اقتصادی میلیسیو برای دومین بار به ایران گسیل شد.

۱۳۲۹ شمسی - در این سال بین ایران و آمریکا قراردادی درباره "کمک متقابل بمنظور دفاع" منعقد شد. رئیس این قرارداد عبارت است از: "دولت ایران بادنظر گرفتن دقیق نیازمندیهای کشور خود از لحاظ مصرف داخلی و صادرات موافقت می‌نماید که تولید حمل و نقل و صدور مواد خام و نیمه‌خامی را که مورد نیاز کشورهایالات متحده آمریکا است و در خاک ایران موجود است، تسهیل نماید." "دولت ایران متعهد میشود کارشناسان فنی آمریکایی را که دستورات دولت ایالات متحده آمریکا را درباره تحقق مواد قرارداد" اجرا خواهند نمود به ایران دعوت نماید و شرایط لازم برای آنان جهت نظارت بنحوه استفاده از وسایل واگذار شده فراهم نماید."

۱۳۳۳ شمسی - قراردادی بین دولت ایران و کنسرسیومی مرکب از هشت شرکت جهانی نفت بسته شد. مدت قرارداد ۲۵ سال بود که تا ۱۵ سال بعد از اتمام قرارداد قابل تمدید بود.

۱۳۳۷ شمسی - تاسیس شرکت آپیاک پان آمریکایی با مشارکت شرکت آمریکایی "امکو" جهت استخراج نفت خلیج فارس بسته شد.

۱۳۴۴ شمسی - تاسیس شرکت نفت ایمنیو کو با مشارکت شرکت آمریکا نفت فیلپس جهت استخراج نفت کرانه‌های خلیج فارس. ۱۳۴۴ شمسی - تاسیس شرکت نفت آپریکو با مشارکت هفت شرکت آمریکایی.

۱۳۴۴ شمسی - تاسیس شرکت نفت لاپکو با مشارکت چهار شرکت آمریکایی.

۱۳۴۶-۴۷ شمسی - تاسیس شرکت "هرنجر" و "نراقی" با ۱۸۶۱۸

پوسو بمرسب سرب - مریدی - آمراداهس. ۱۲۵۱ شمسی - تاسیس شرکت "هویکو" با مشارکت کمیانی نفت "موبیل". ۱۳۵۲ شمسی - بعثت بالا رفتن مخارج کمر شکن اکتشاف، استخراج و تولید نفت کنسرسیوم و شرکت های آمریکایی عضو تصمیم گرفتند که قرارداد جدیدی با دولت ایران ببندند و بدین ترتیب طبق این قرارداد خرید و فروش نفت به شرکت ملی نفت ایران دیکته شد.

۱۳۵۱ شمسی - در پی مذاکراتی که مقامات اقتصادی ایران با بانک جهانی ترمیم و توسعه I B R D انجام دادند بانک مذکور با اعطای وام‌هایی بشرح زیر موافقت نمود:

- ۱- ۵۰ میلیون دلار وام به بانک صنعتی و معدنی ایران.
- ۲- ۳۲ میلیون دلار وام برای توسعه خطوط و لوله نفت.
- ۳- ۱۴ میلیون دلار وام برای صندوق توسعه کشاورزی.
- ۴- ۲۹ میلیون دلار وام برای سازمان بنادر و کشتیرانی ایران.
- ۵- ۵۱ میلیون دلار وام جهت توسعه و تکمیل شبکه‌های برق ایران.
- ۶- ۱۲/۲ میلیون دلار وام برای توسعه و تکمیل کارخانه کاغذ سازی پارس.

بین سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۵۲، ۴۳ شرکت از ۱۸۳ شرکت خارجی که در ایران سرمایه‌گذاری کرده بودند، آمریکایی بودند و این رقم بیشترین تعداد شرکت از یک کشور بود و سرمایه گذاری این شرکت های آمریکایی یک سوم کل سرمایه گذاری هارا تشکیل میداد. در پایان سال ۱۹۷۲ ایالات متحده آمریکا سرمایه‌های با ارزش ۵۷۰ میلیون دلار در ایران داشت.

۱۳۵۴ شمسی - در پایمان اردیبهشت ۱۳۵۴ سرمایه بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران به ۶/۸ میلیارد ریال بالغ شد. این بانک که در سال ۱۳۲۸ تاسیس شده بود فقط ۴۰۰ میلیون ریال سرمایه داشت.

موسسات بزرگ مالی جهان بخصوص موسسات آمریکایی در این بانک سهم داشتند. در سال ۱۳۵۳ بیش از ۶۲ درصد از وام‌های بلند مدت بانک از منابع خارجی تامین شده بود. این بانک در بیش از ۳۵۰ رشته صنعتی در ایران سرمایه گذاری کرده بود.

نظامی

۲۲-۱۳۲۱ شمسی - آمریکا یک هیئت نظامی برای سرو سامان دادن و کنترل ارتش و ژاندارمری به ایران

هیئت مستشاری آمریکا برای تجدید سازمان ژاندارمری به ایران باید. ۱۳۲۵ شمسی - شوارتسکف مستشار آمریکایی در حمله به قیام آذربایجان و قتل عام خلق دلیر آذربایجان و کردستان شرکت مستقیم داشت.

۱۳۲۶ شمسی - قرارداد جم-آلن در سال ۱۳۲۶ منعقد شد. چند ماده از این قرارداد به قرار زیر است. ماده دهم فصل سوم - افسران آمریکایی مافوق افسران ایرانی، هم درجه خود محسوب میشوند. ماده دوازدهم فصل سوم - رئیس هیئت مستشاران و اعضاء آن حق دارند برای انجام وظایف مندرجه در مواد هفتم و هشتم، کلیه واحدهای ارتش را بازرسی کنند. ماده بیست و چهارم فصل چهارم - در کلیه مدت اعتبار این قرارداد و یا دوره تمدید آن، دولت ایران نمیتواند هیچ خارجی غیر آمریکایی را برای خدمت در سازمانها و اداراتی که با ارتش رابطه دارند، استخدام نماید.

۱۳۳۴ شمسی - پیمان نظامی بغداد که بعدا با خروج بغداد از آن در سال ۱۳۳۷ به سنتو تغییر نام داد. شرکت کنندگان در پیمان ایران، ترکیه، پاکستان، عراق، آمریکا و انگلیس بودند.

۳۶-۱۳۳۰ شمسی - وام‌های نظامی آمریکا به ایران در این سالها بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار شد. ۱۳۳۸ شمسی - قرارداد نظامی دوجانبه ایران و آمریکا در سال ۱۳۳۸ منعقد شد. این قرارداد اختیارات وسیعی به آمریکا در ایران میدهد. این قرارداد را میتوان پشتوانه پیمان سنتو نامید.

۱۳۴۳ شمسی - وام نظامی ۲۰۰ میلیون دلاری آمریکا به ایران داده شد.

۴۹-۱۳۴۴ شمسی - وام نظامی آمریکا به ایران در این سال ۱/۶ میلیارد دلار شد.

۱۳۴۷ شمسی - قرارداد خرید ۴۸ میلیارد ریال اسلحه از آمریکا امضا شد.

۱۳۵۰ شمسی - قرارداد خرید ۶۰ میلیارد دلار اسلحه از آمریکا امضا شد.

۱۳۵۴ شمسی - پیاده شدن ۳۵۰۰۰۰ سرباز ارتش مزدور شاه به ظفار برای سرکوبی خلق دلیر ظفار. از این تاریخ، شاه نقش ژاندارم آمریکا در منطقه را بعهد گرفته.

۱۳۵۲ شمسی - خرید بیش از ۲۰۰ میلیارد ریال اسلحه از آمریکا.

۱۳۵۶ شمسی - تعداد مستشاران آمریکایی در ارتش ایران بالغ بر ۲۴۰۰۰ نفر شدند. یعنی بازه هر ۱۴ نفر از نیروهای مسلح ایران یک

ایران و آمریکا امضاء شده بود.

سیاسی

۱۳۲۵ شمسی - تشکیل سازمان امنیت بدستور آمریکا برای سرکوبی و پیگرد آزادیخواهان.

۱۳۲۲ شمسی - کودتای ننگین ۲۸ مرداد که منجر به سقوط دولت ملی دکتر مصدق و بازگشت شاه فراری شد. ۱۳۲۲ شمسی - لورفتن سازمان افسری حزب توده و تیر باران شدن ۷۰۰ نفر از افسران مرفقی.

۱۳۳۵ شمسی - سازماندهی مجدد ساواک تحت رهبری مستقیم سیا.

۱۳۴۱ شمسی - در ژانویه ۱۹۶۱ دولت کندی در واشنگتن بر سر کار آمد و خاطر نشان ساخت که فقط در صورتی از شاه حمایت خواهد کرد که وی یک برنامه اصلاحی انجام دهد. قرضه ۲۵ میلیون دلاری ایالات متحده در گرو اجرای این برنامه اصلاحی قرار گرفت. بدین ترتیب "اصلاحات شش گانه" به مرحله اجرا گذاشته شد.

۱۳۴۳ شمسی - قانون مصونیت سیاسی (احیاء کابیتولاسیون) جهت نظامیان آمریکایی در این سال تصویب شد.

۱۳۴۳-۴۵ شمسی - دخالت مستقیم آمریکا در تمام شئون داخلی ایران. ایجاد مثلث سیا، ساواک، موساد برای تئور انقلابیون و تمام آزادیخواهان ایران.

۱۳۵۷ شمسی - پشتیبانی مستقیم و علنی از دولت شاه و سپس بختیار و شرکت مستقیم مستشاران آمریکایی چون "هویزدر" سرکوبی خلق قهرمان ایران.

۱۳۵۷ شمسی - اعزام مجدد ناو هواپیمای بر کانتیلیشن به آبهای خلیج فارس برای تهدید و ارعاب دولت موقت انقلاب.

۱۳۵۸ شمسی - صدور قطعنامه سنای آمریکا مبنی بر "حکومیت" احکام دادگاههای انقلاب اسلامی ایران.

۱۳۵۸ شمسی - انسداد ذخائر ارزی ایران در آمریکا و تلاش در محاصره اقتصادی ایران پس از اشغال لانه جاسوسی آمریکا در ایران.

۱۳۵۹ شمسی - اقدام نظامی علیه ایران تحت عنوان اقدام برای نجات گروگانها.

یکی از نمونه‌های بارز این آراستن ظاهر و حفظ و اقیبت دردناک رابطه استعماری، رژیم بود که با انقلاب اسلامی ایران به حیات آن خاتمه داده شد.

دردنیای پرتلاطم کنونی که بحران اقتصادی و اخلاقی تنش بین المللی، زیستن دائمی در آستانه جنگ و تعادل وحشت‌آمی، قحطی و گرسنگی، بیکاری و گشتار دسته‌جمعی و شکنجه و پایمال شدن حقوق انسانی از مصائب روزمره آن هستند راهی برای رسیدن به صلح و امنیت و آرامش و رهایی از اضطراب جز از طریق تقویت این مبارزه برای استقلال واقعی و از بین بردن سلطه در همه ابعاد آن وجود ندارد و تنها با برهم زدن این روابط است که انسان آزاد میتواند همه استمدادهای خلاق و سازنده خویش را شکوفا سازد.

از فردای جنگ دوم جهانی، بشریتی که با دادن میلیونها قربانی انتظار فراوانی نعمت و آرامش و صلح و آزادی را داشت مواجه با رقابت خفه‌کننده‌ای از جانب قدرتهای بزرگ که با تقسیم جهان به مناطق نفوذ و با اعمال سیاستهای تسلیحاتی با رقام نجومی و با درپیش گرفتن سیاست مداخله جوتی مستقیم و غیرمستقیم، آشکار و پنهان علیه او عمل می‌کردند شد. و بجای رهایی از ترس و وحشت نابودی محکوم به تماشای نوعی مرگ تدریجی بهترین ارزشهای خود گردید.

هرگاه که ملل مستضعف جهان خواستند با فداکاری خویش و عبور از دریای خون و آتش، سنگینی این آسمان سربی تقسیم جهان را از روی سینه خود بردارند بار دیگر رقابت و یا تفاهم و معامله ابرقدرتها راه را بر ایشان سد نموده است.

هر قطب جهان سعی نموده در منطقه نفوذ و قرق خاصه خود با تفاهم و توافق مقوم و موید دیگری باشد. به بهانه مقابله با قدرت مقابل ملل در بند سلطه هر کدام را بیشتر تحت فشار قرار داده‌اند و نظامهای آزادی‌کش و ضد مردمی را بر ملتها مسلط نموده‌اند.

این نوع تقسیم بندی علیرغم ضربات کوبنده مبارزات استقلال طلبانه دهه‌های ۶۰ و ۷۰ چنان دائره عمل و فعالیت را بر ملل مستضعف جهان تنگ گردانیده بود که در سالهای آخر دهه هفتاد چنان تصور میرفت که مبارزه علیه هر ابر قدرت مستلزم وابستگی بدیگری است و مندرجا این امر بصورت اصل پذیرفته شده‌ای درمی‌آمد که رهایی از بند یکی بجز با دورنمای افتادن بدام دیگری میسر نیست.

انقلاب اسلامی ایران بعنوان یکی از نمونه‌های متکامل نبرد عظیم بشریت مستضعف، درست در این زمینه پا گرفت و در این طریق سیر نمود و با این دورنما ادامه میابد که استقلال واقعی میسر نیست جز از طریق قطع وابستگی از هر قدرت سلطه‌گر.

مشخصه عمده این انقلاب بسیج همگانی و یکپارچه مردم و اتفاق کلمه آنان بود. انقلاب اسلامی ما از این لحاظ متضمن مشخصاتی است که شاید مطالعه آنها برای شناخت بهتر مبارزات رهاییبخش آخر قرن بیستم ضروری باشد.

رویدادهای جهان



به دنبال تسلیم چهار هزار افسر و سر باز افغانی بخشهای مهمی از استان بامیان به دست مجاهدین افتاد

بنابه گزارش دفتر حرکت اسلامی افغانستان در قم در هفته گذشته نزدیک به چهار هزار نفر از نیروهای نظامی دولت دست نشانده ببرک کارمل خود را تسلیم مجاهدین اسلامی افغانستان نموده اند. این عده که شامل درجه داران، سربازان و افسران افغانی می باشند از دخالت روس در افغانستان ناراضی بوده و با تمام وسایل و تجهیزات نظامی که شامل چندین تانک، خودرو زرهی و جیب و چندین هزار قبضه اسلحه سبک و سنگین بوده به مجاهدین پیوستند.

بر اساس همین گزارش بخش هایی از "سیخلی" از ولایت پروان و شیر از ایالت بامیان که مدتی پیش بدست اشغالگران روسی افتاده بود پس از یک درگیری سنگین و باجبا گذاشتن تعدادی کشته و زخمی مجدداً بدست مجاهدین افتاد.

خبرگزاری آسوشیند پرس نیز به نقل از منابع خود در کابل خبر تسلیم نظامیان افغانی به مجاهدین و آزادی استان بامیان را ناآید کرده است. یکی از پیشکشان افغانی که به هند پناهنده شده یکنشنبه گذشته به خبرنگاران گفت که حداقل سیصد نفر پزشک و مهندس حرفه ای و معلم افغانی بعثت فشارهای شدید و ترس از رژیم کنونی را نگاه خود را ترک کرده و به ایران و پاکستان پناهنده شده اند. وی گفت ما مورین رژیم ببرک کارمل با جبر و فشار وارد خانه های مردم شده و افراد برومند و تحصیل کرده را برای خدمت در ارتش به پادگانها می برند که این اقدام باعث شده تا جوانان تحصیل کرده افغانی وطن را ترک گویند، وی همچنین اضافه کرد که البته دولت کارمل برای جلوگیری از مهاجرت مغزهای متفکر مقررات جدیدی وضع کرده و گذرنامه ها را باطل می کند.

*** گره جنوبی - ژنرال چون دوهوان**
دیروز از مقام خود بعنوان کفیل سازمان مرکزی جاسوسی کشور استعفا داد. جنبش توده های دانشجویان طی ماه گذشته بارها در تظاهرات خیابانی خود در سرتاسر کشور خواستار استعفا ی وی بودند.

*** واشنگتن، رویتر - ۱۸۰۰۰ تنگدار**
دریایی آمریکا توسط ناوگان هفتم این کشور که روز ۱۷ مارس به آقیانوس هند اعزام شده بودند منطقه را ترک نمودند.

*** استانبول، آسوشیند پرس - مقامات**
ترکیه گزارش دادند که دوناو جنگی شوروی روز شنبه برای پیوستن به ناوگان این کشور در دریای مدیترانه از تنگه بسفر گذشتند و وارد دریای اژه شدند. ناوهای روسی مجهز به سلاحهای عادی و سلاحهای ضد زیر دریایی میباشند. پس از اشغال افغانستان توسط شوروی عبور نیروهای دریایی شوروی از طریق تنگه بسفر سریعاً افزایش یافته است.

سیل اسلحه روسی به هند در خدمت اهداف تجاوز کارانه

خبرگزاری های جهان از دهلی نو گزارش میدهند که دولت هند بزرگ ترین قرارداد خرید اسلحه را مبلغ ۱/۶ میلیارد دلار با روسیه امضا کرده است.

روسیه قبلاً نیز انواع سلاحهای جنگی از قبیل هواپیماهای میگ - ۲۱ را که در چند سال اخیر در هند ساخته میشود در اختیار این دولت قرار داده است.

طبق قرارداد اخیر هند ۲۰۰ فروند تانک تی - ۷۲ از روسیه میخرد و اجازه ساختن ۶۰۰ تانک دیگر نیز خواهد گرفت. سلاحهای دیگری که هند از روسیه میخرد عبارتند از هواپیماهای میگ - ۲۳، قایقهای گشتی مجهز به موشک و موشکهای زمین به زمین.

اهمیت این قرارداد علاوه بر مقدار و ارزش آن در تائیدی است که آن در مناسبات و روابط هند با کشورهای همسایه اش پاکستان و جمهوری خلق چین میگذارد. مناسبات این کشورها بدنبال تهاجم افسار گسیخته سوسیال امپریالیسم روس در منطقه جنوب و جنوب غربی آسیا بویژه اشغال افغانستان حسنه شده و در روابط با خطر تجاوز کاران روسی به نقطه نظرات مشترکی رسیده بودند.

تمام شواهد و قرائن مبین این است که فاشیستهای روسی با قرار دادن مهمات و تجهیزات مدرن در اختیار دولت هند به سیاست توسعه طلبی منطقه ای ایندولت دامن زده و آنرا وسیله ای برای تحقق اهداف تجاوز کارانه خود قرار میدهند.

سوسیال فاشیست های روسی بدین ترتیب باردیگر هند را در حلقه به تجاوز به کشورهای پاکستان و چین تحریک و ترغیب میکند و نزدیکی و وحدت این کشورها را در مقابل تجاوز و بیشری خود برهم میزند.

ایجاد شکاف و تفرقه در بین کشور های جهان سوم در زمانیکه ضرورت وحدت و یکپارچگی آنها در مخالفت با سیاست توسعه طلبی ابرقدرت جنایتکار روس بیش از هر وقت دیگر از اهمیت و بزرگای برخوردار است یکی از اهداف قرارداد اخیر فروش اسلحه روسیه به هند است.

تهدمت های اخیر گوبلر های روسی به جمهوری خلق چین و حملات و قیحانه نخست وزیر هند به پاکستان درستی این نظر را با ثبات میرساند.

پیش تلاش کرده اند تا با مجهز کردن و تقویت نظامی هند این کشور را بوسیله وابزاری در خدمت سیاست توسعه طلبی و نفوذ در این منطقه تبدیل کنند.

در اواسط سالهای ۱۲۴۰ جنگ بین هند و پاکستان را بر راه میاندازدند و هند را در حلقه به پاکستان تشویق و همراهی میکنند.

در اوایل سالهای ۱۳۵۰ دولت توسعه طلب و متجاوز هند با پشتیبانی کامل روسها به پاکستان حمله میکند و با سوء استفاده از

همدستی با "ارتجاع" و "فئودالیسم" محسوب میشود. آری اینست ماهیت واقعی "مدافعین" دروغین انقلاب اسلامی. آیا دفاع آنان از رژیم دست نشانده ببرک کارمل در افغانستان و حملات مزدورانه آنان علیه جنبش مقاومت و مبارزین افغانی، ادامه همان

یادداشتها

هرج و مرج و دیکتاتوری

انقلاب که پیروز شد، امیدواری توده مردم در این بود که رژیم انقلاب نابسامانی ها و بی عدالتی هایی را که در جامعه ما موجود است از میان ببرد و شایسته روابط اجتماعی زندگی مردم بسرعت رویه بهبود خواهد گذاشت.

در ماههای اول بعد از پیروزی انقلاب توده های مردم صورانه انتظار کشیدند تا مشکلات زیادی که حکومت نوپای ایران با آن روبروست برطرف گردد و نوبت به برآورده شدن خواسته های آنان برسد. اما گذشت یکسال و نیم از پیروزی انقلاب، عدم وجود تغییرات چشمگیر در وضع زندگی مردم و بجای ماندن اکثر قریب به اتفاق نابسامانی ها و حتی تشدید آن در برخی زمینه ها باعث شده تا روحیات جدیدی در مردم بوجود آید. این روحیات بازتاب خود را بصورت پشتیبانی مردم از حرکات سرکوبگرانه بمنابیه شیوه اساسی برای حل معضلات اجتماعی از جمله اعتیاد، گرانفروشی و مسائلی از این دست نشان میدهد. در واقع توده های مردم که نسبت به کارایی دست اندرکاران امور، بنا به تجربه یکسال و نیم خود تردیدهایی به دل راه داده اند، از طریق چنین پشتیبانی هایی "قاطعیت" طلب میکنند. قاطعیتی که بخاطر تحریفات و تعاریف نادرست از آن بطور عمده "... قاتلیت" معنی شده است و نه حل صحیح و مدبرانه تضادها.

بدون شک توسعه و تقویت چنین روحیاتی در نهایت خود به گرایش مردم برای پذیرش یک شخص و یا یک گروه که همه امور را در دست خود متمرکز سازد و قدرت بلامنازع خود را بر همه امور حاکم گرداند، منتهی خواهد گشت و اینست بروسه پذیرش یک دیکتاتور و یک حکومت دیکتاتوری که در آن نه فقط گروه های سیاسی و اجتماعی مختلف بلکه توده مردم نیز بیکار ماند و امور خود را به دیگری سپرده اند. این هشدار ی باشد برای دست اندرکاران که هنوز سرگرم جنگ های خانگی هستند و برای کسب قدرت، بیشرقت امور را معطل خود ساخته اند و به تمامی خطرانی که خزان خزان پیش روی می کنند، بی توجه مانده اند، و چه نابکارند آنان که برای حاکم شدن به موعود های قدرت طلبانه خود از دامن زدن به این هرج و مرج و نابسامانی هائیز کوتاهی نمیکند.

تحریم المپیک و وظایف باقیمانده...

استقلال طلبان، بیروان خط "نه شرقی، نه غربی" و پشتیبانان واقعی مبارزه جهانی با سلطه طلبی دوا بر قدرت نمیتوانند شادمانی خود را از تصمیم نهایی "شورای انقلاب" مبنی بر عدم حضور ایران در "بازی های تابستانی مسکو" ابراز ندارند، که علیرغم کارزار فشار و ارعاب و تهدید ابرقدرت روس و عمال آن در ایران (باند کیانوری) اتخاذ گردید.

این تصمیم گذشته از آنکه اعتراضی به گرمین و اشغال افغانستان توسط ارتش فاشیستی شوروی است، در عین حال بر استحکام روابط میان انقلاب ایران و انقلاب افغانستان می افزاید و این دو حرکت اصیل ضد سلطه گری را به یکدیگر پیوند بیشتری می دهد.

اما علیرغم این جنبه مهم و مثبت کار شورای انقلاب، کمبودهایی نیز در این حرکت چشم میخورد که باید بسرعت جبران گردد.

این کمبود ها از آنجا ناشی میشود که بخاطر بروز برخی تزلزلات در فاصله دو تصمیم گیری شورای انقلاب و برخورد مبهم، ناروشن و متفاوت اعضای آن نسبت به مسئله، یکی از اهداف مهم این حرکت سیاسی صورت نپذیرفت. این هدف مهم بسیج سیاسی توده های مردم برای دفاع از انقلاب افغانستان و محکوم کردن روسیه از طریق برجسته نمودن تحریم المپیک مسکو و جهت صحیح دادن به افکار گوناگونی بود که در بین مردم بخصوص ورزش دوستان موجود است.

جبهه روس علیه قیام ۱۵ خرداد

سنگین را انجام داده اند؛ آنها جنبش ۱۵ خرداد، رو- جرسب "ضدانقلابی" مورد سرکوب قرار دادند. زیر

باند کیانوری و ارنایان روسی آن مدعی دفاع از انقلاب اسلامی و جنبش ۱۵ خرداد که آغازگر این انقلاب بوده است می باشند. شواهد زیر که همگی از ارگان های تبلیغاتی رسمی مسکو و عمال ایرانی آنها اخذ شده، ماهیت دروغین این ادعاهای امپریالیسم روسیه

را بخوبی فاش می‌سازد. در حالیکه، ارگانهای روسی صراحتاً جنبش ۱۵ خرداد را به باد حملات خاشاکنده خود گرفتند، ارگانهای حزب توده بصورت غیرمستقیم همین وظیفه را

تزارهای نوین کرملین چه گفتند؟

"دیروز در پایتخت ایران (تهران)، در مشهد، قم، ری و مراکز بزرگ مذهبی کشور، به تحریک عده‌ای از روحانیون مرتجع مصلحان، آشوب و بلوائی برپا شد. آشوب طلبان برای مبارزه علیه اصلاحات ارضی دولت از ایام سوگواری مراسم مذهبی که در هر سال در روز شهادت امام حسین پیشوای مسلمانان بعمل می‌آید استفاده کردند. تیراندازی به عنوان اتمام حجت مفید واقع نشده. عده‌ای از جوانان متعصب عقب افتاده چندمغازه را غارت کردند و چند اتومبیل را واژگون نمودند. اجرای اصلاحات ارضی ضد فئودالی و اتخاذ تصمیم درباره دادن حق رای به زنان، از همان ابتدا با مخالفت شدید اما لکین بزرگ و روحانیون مواجهد که از ملاکین پشتیبانی میکردند. اکنون مرتجعین سعی دارند از مرحله تبلیغ وارد مرحله عمل شوند." (نقل از روزنامه "آزوستیا"، ارگان حزب رومیونیست شوروی ۱۸/۳/۴۲)

رهبری خائن و فراری حزب توده چه گفت؟

"شعار سرنگونی رژیم شاه در زمان اصلاحات با تغییری که در شرایط عینی حاصل شده بود (۰۰۰) به ضد خود تبدیل شده بود. شعار سرنگون کردن رژیم در شرایط تازه که عناصر ضد کمونیست و مائوئیست (۰۰۰) علم میکردند، قبل از هر چیز و از جهت محتوی واقعی، مخالفت با همزیستی و صلح بود. این شعار، شعار سرنگون کردن رژیم کودتای ضد فئودالی و هوادار تکامل صنعتی ایران بود و تکرار کنندگان آن در شرایط نوین بناچار باقی ماندن مناسبات فئودالی را می‌خواستند (۰۰۰) تکرار آن در شرایط جدید وسیله تفرقه افکنی قرار گرفت و بهای نه‌ای بود در دست ضد کمونیست‌های تفرقه جوتا فعالیت خرابکارانه خود را تجدید سازمان دهند." (نقل از مجله "دنیا"، نشریه تئوریک حزب توده، شماره ۷ مهر ماه ۱۳۵۴)

تاریخ نویسان روسیه چه گفتند؟

بخش ارتجاعی روحانیون به اتفاق نیروهای ارتجاعی ملاکان از ناخرسندی قشرهای زحمتکش که علیرغم برخی اقدامات رفرمیستی رژیم هر روز شدیدتر میشد استفاده میکردند. از جمله این محافل کوشیدند تظاهرات وسیع مردم را در ژوئن سال ۱۹۶۳ (محرّم ۱۳۴۲) که استفاده از امکانات تجمع در روزهای سوگواری آنرا ممکن ساخته بود، در جهت هدفهای خود مورد استفاده قرار دهند. پس از سرکوب این تظاهرات توسط واحدهای نظامی آیت‌اله خمینی که از مجتهدین سرشناس ایران بود با زداشت و از کشور تبعید گردید. در این حوادث عده دیگری از رجال روحانی با زداشت شدند و آیت‌اله خمینی

تما می‌آنها درسهای دولتی و اصلاحات ارضی آن پس از رفرمهای نواستعماری شاه بر روی دفاع از رژیم با اصطلاح "ضد فئودالی" شاه استوار بود. از نظر آنان، هرگونه مبارزه علیه این رژیم و اصلاحات ارضی آن

که در نجف (عراق) اقامت گزیده بود به تبلیغات علیه دولت علیه اصلاحات ارضی و برابری حقوق زنان پرداخت و پیا پیا بیانیه‌ها می‌فرستاد.

(نقل از صفحه ۲۵۹، کتاب تاریخ نوین ایران، نویسنده م. س. ایوانف)
اصلاحات ارضی و همچنین فرمان (دوم ماه مارس سال ۱۹۶۳) شاه در مورد دادن حقوق انتخابات به زنان از جانب زمین داران بزرگ و محافل ارتجاعی روحانی با ناراضی و مقاومت زورپوشد. محافل ارتجاعی روحانی اصلاحات ارضی و دادن حقوق انتخابات به زنان را ضربه‌ای بر مواضع خود در زندگی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور تلقی میکردند. (نقل از صفحه ۲۲۳، کتاب تاریخ نوین ایران، نویسنده م. س. ایوانف)

رادیو مسکو چه گفت؟

رادیو مسکو روز پنجشنبه طی تفسیرات درباره وقایع ایران چنین گفت: در بعضی از نواحی ایران تظاهراتی که از طرف روحانیون ارتجاعی تحریک شده ادامه دارد. پس از اعلام حکومت نظامی در تهران و حومه و تعیین ساعات مخصوص عبور و مرور سازمان‌های انتظامی امروز (روز پنجشنبه) موفق شدند در مرکز تهران و در بخش شمال شهر موجبات رفت و آمد عادی و وسایل حمل و نقل را فراهم سازند ولی روحانیون در منطقه با زار و در بخش جنوبی تهران کمافی السابقت میتینگهای کوتاه موضعی تشکیل میدهند (روز پنجشنبه) طرفداران بخشی از روحانیون در خیابان‌ها زنان بی‌چاره را مجروح میکنند و اموال مغازه‌ها و سینماها را غارت میکنند. طبق آمار رسمی در تهران بیش از دویست نفر کشته و زخمی شده‌اند در بین کشته شدگان سه نفر زن، میباشند. در ناحیه شهر قم مقامات پلیس توانستند نظم و آرامش را برقرار نمایند در شیراز مرکز اداری استان فارس، در جنوب ایران، حکومت نظامی برقرار شده است. دهقانان نیز که امروز (پنجشنبه) وارد تهران شده‌اند گفته‌اند ما زمینی را که دریافت کرده‌ایم هرگز بملاکین پس نخواهیم داد.

رادیو مسکو افزود: عصر امروز پنجشنبه روزنامه ایزوستیا مقاله‌ای تحت عنوان (بدستور ارتجاع) درج کرده و طی آن گفته میشود دیروز (چهارشنبه) در تهران با پختن ایران و همچنین در مشهد و قم و شیراز و مراکز بزرگ مذهبی کشور به تحریک عده‌ای از روسای مرتجع و روحانیون آشوب و بلوائی برپا شده آشوب طلبان برای مبارزه علیه رژیم ارضی دولت از ایام سوگواری مذهبی که هر سال در روز شهادت امام حسین پیشوای مسلمانان بعمل می‌آید استفاده کردند. با مداخله دیروز (چهارشنبه) جمعیت انبوهی با لباس عزا در میدان نزدیک کاخ گلستان تهران جمع شدند و خیال داشتند در خیابانهای تهران حرکت کنند اما پلیس با پشتیبانی از نیروی جترباز سعی کردند تظاهرات را متوقف سازند و با مقاومت سختی روبرو شدند. (نقل از اطلاعات ۱۸ خرداد ۴۲)

بهرای برای این در صورتی که سبب و مسوولین امور و نیروهای استقلال طلب سیاسی می‌بایست هر چه زودتر با برنامه‌های متحدانه و مبتکرانه این هدف را که در بین مردم نیز آمادگی تحقق آن موجود است، برآورده سازند. تأییدین ترتیب، از یکسو مردم را در سطح گسترده‌ای بر روی مسئله بسیج نمایند و از سوی دیگر از رساندن کمک در هر زمینه که مورد احتیاج جنبش انقلابی مجاهدین افغانی است کوتاهی نکنند. این وظیفه خطیر است که هنوز به آن پاسخ کاملی نگفته‌ایم.

بازنده بزرگ

مسئله کردستان هنوز تمام نشده است و بعید بنظر میرسد که این معضل با سرعت حل شود. اما از هم اکنون میتوان ادعا کرد که "گومله" بازنده بزرگ جریان کردستان است.
"گومله" که از موضعی انحرافی و چپ روانه رود روی حکومت ملی قرار گرفت و حتی بجنگ مسلحانه و اقدامات نظامی متوسل گردید و در این راه از هم صف شدن با وابستگان به ابرقدرت روس نیز ابایی نکرد، اکنون می‌بایست تقاضای انحرافات خود را پس دهد. "گومله" که علیرغم هشدارهای ما سردوست و دشمن را مخدوش کرد و بجای همراهی با دولت مرکزی در سرکوب عوامل ابرقدرت با عوامل ابرقدرت با جنگ با دولت رفت، اکنون می‌بایست نظاره‌گر روندی "هم‌سنگران" سابق خود بماند.
رهبری حزب دمکرات و رهبری سازمان جریک‌باز فدایی خلق که علیرغم آگاهی خود، در جنگ کردستان فعالانه شرکت داشتند و پیش از همه "گومله" را در این راه ترغیب نموده و از آن بهانه جماعتی علیه دولت استفاده کردند، یکبار رنگ عوض میکنند، "گومله" را در سنگر ناحقی که علیه دولت ساخته بودند تنها میگذارند، او را "انارشیست" و هرج و مرج طلب می‌نامند و خود پیروزمندانه راهی مذاکره با دولت برای حل صلح جویانه مسئله کردستان میشوند.
این پایان داستانی غم‌انگیز است که بسیاری آنرا پیش بینی میکردند و به خاطر اعتقاد به عدم وابستگی "گومله" به نیروهای بیگانه وی را از این راه برحذر میداشتند.
این داستان غم‌انگیز است چراکه نیروهای استقلال طلب کرد و توده‌های مردم کردستان چیزی نصیب نبردند و در عوض موقعیت وابستگان به بیگانه (رهبری سازمان جریک‌باز و حزب دمکرات) مسخ شد.
اگر این تجربه خوب جمع‌بندی شود و اگر گومله که خود را نیروی غیر وابسته و مدافع خلق کرد میدانند، واقعاً در ادعای خود صادق باشد، هنوز میتواند اشتباهات خود را تصحیح کند.

۱۵ خرداد

تدریجاً راکه بخواهد در صفوف خلق نرفته بسازد، مورد انتقاد و نصیحت قرار میدهد و عناصر وابسته را از خود طرد میکند.
باین ترتیب تاریخ ۱۵ خرداد یک سکت نبود بلکه سرآغاز پیروزی‌های بزرگ آینده بود. پیروزی‌هایی که به انقلاب اسلامی ما به رهبری امام خمینی و خط اصیل نه شرقی، نه غربی کمک شایانی کرد. پیروزی‌هایی که همچنان باید برای تحکیم آن و حفظ دستاوردهای آن از گزند توطئه‌های دوا بر قدرت و عواملش کوشا باشیم.
خاطره قیام تاریخی ۱۵ خرداد و یاد شهدای عزیزمان گرامی باد.
انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی موفق و پیروز باد. زنده باد اتحاد بزرگ ملی برای تحقق سه اصل خلق: استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی.

بقیه از صفحه ۶
سبب شد که شعار سیاسی نه شرقی نه غربی شعار متحد کننده صف خلق از تمام گرایشهای سیاسی جامعه ما و همچنین شعار متحد کننده ما با سایر کشورهای جهان سوم گردد.
۴- و بالاخره با زنده خرداد از لحظات تاریخی درخشان میهن‌ماست که در آن، وحدت و وسیع صفوف خلق، (یعنی اتحاد بزرگ ملی از سه جریان اسلام مبارز، ملی‌گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی) در مقابل صف ضد خلق (رژیم وابسته شاه، امپریالیسم آمریکا، شوروی سوسیالیست امپریالیستی و نوکراش) شکل گرفت. همین صف بندی است که علیرغم انواع کارشکنی‌ها و توطئه‌های دوا بر قدرت و عملشان در لحظات حساس نقش قاطع ایفا کرده و هر گرایش انحرافی به این یا آن ابر

۱۵ خرداد ۴۲: آغاز گرانقلاب اسلامی

رهبری خائن حزب توده نیز با حمل به جنبش خلق ماهیت ضد خلقی خود را بیشتر برملا نمود. از اینجای کمونیستهای راستین و استقلال طلب میهن ما که بنا بر ماهیت خود در صف جنبش اصیل خلق قرار داشته و دارند، با شوری امپریالیستی و نوکراتش (رهبری حزب توده) و طرد کامل این دشمنان قسم خورده خلقهای ایران و جهان مرز میان خلق و ضد خلق را هر چه قاطع تر ترسیم نمودند. جنبش ۱۵ خرداد ۴۲، در عین حال که سلطه نواستعماری امپریالیسم آمریکا و دیکتاتوری فاشیستی رژیم نوکر منشی شاه را مورد یورش فهریاتانه خود قرار داد، نقطه آغازی بود برای مبارزه مردم میهن ما علیه سلطه شوروی سوسیالیست امپریالیستی و نوکران ایرانی آن در حزب توده، نقطه آغازی بود برای تکامل خط نه شرقی نه غربی انقلاب اسلامی کنونی ایران. در حقیقت از میان دریای خون سرخ و آتشین توده‌های جان بر کف خلق، خط نه شرقی نه غربی که بیان اصالت انقلاب اسلامی ماست متولد شد.

این صف بندی روشن هم چنان رشد یافت و در تکامل خود

ترهکی سامین - ببرک پاهانسان رد میکنند که "اصلاحات" گندی- شاه را رد کردند.

۱۵ خرداد بویژه برای اسلام مبارز در میهن ما یک واقعه بسیار مهم تاریخی است. اسلام مبارز این بار با خصوصیت برجسته ضد امپریالیستی بصورت فعال تری بر روی صحنه سیاسی و اجتماعی میهن ما ظاهر گشت و نقش مهمی در پیشاپیش صفوف خلق ایفا نمود. ۱۵ خرداد به حق نقطه آغازی برای نقش هدایت کننده اسلام مبارز در جنبش رهایی بخش مردم میهن ما و سرآغاز شکل گیری انقلاب سگوهمند اسلامی به رهبری امام خمینی بود.

۳- قیام تاریخی ۱۵ خرداد مرز روشنی میان صف خلق و ضد خلق ترسیم نمود. همچنان که صف بندی جنبش خلق در مقابل رژیم وابسته شاه و اربابان امپریالیستی روشن تر میشد، تزارهای نوین گرملین با موضع گیری بنفع اصلاحات نوسو استعماری و علیه جنبش خلق در مقابل جنبش ایستادند و بدنبال آنها

از میان دریای خون توده‌ها خط نه شرقی نه غربی انقلاب ایران متولد شد

آورد که بعدها نیز جریانهای نوسو استعماری با هر نقابیی شناخته شوند و از طرف خلق طرد گردند. بدین ترتیب بود که کارزار عوام فریبی "حقوق بشر" گارتر برای حفظ رژیم سلطنتی در ایران توسط خلق ایران رسوا شد. و نیز از این روست که می بینیم امروز مردم میهن ما فریب اهداف نواستعماری روسیه امپریالیستی را حتی با نقاب "سوسیالیسم" نمیخورند و خلق های ما و خلق برادر افغانستان "اصلاحات" رژیم

تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی و رهایی بخش خلقهای میهن ما، این روز را بخاطر تجارب و دستاوردهای گرانبیهایی که بر جنبش مردم ما افزود، باید آغاز پیروزی های بزرگ بعدی نهضت ملی و انقلابی دانست.

۱- جنبشی که به قیام تاریخی ۱۵ خرداد منجر شد صحت شناخت مردم میهن ما را از سیاست های نوسو استعماری که رنگ و لعابی با اصطلاح "اصلاح طلبانه" و "ترقی خواهانه" دارند، اثبات نمود و شرایطی فراهم

"انقلاب سفید" به اجرا درمیاید. با آنکه این طرح برخی از نیروهای ملی را موقتا دچار سرنگی نمود، ولی توده های وسیع مردم و بخصوص زحمتگشان میهن ما و در صفوف مقدم آنها اسلام مبارز، بموقع و بخوبی ماهیت امپریالیستی "اصلاحات" را شناختند و اصواج مقاومت و مبارزه را براه انداختند.

وضع فلاکت بار زندگی زحمت کشان که ماهیت خائمان برانداز "اصلاحات" گندی شاه را بر ملا می کرد و افشگری های روحانیون و عناصر و نیروهای انقلابی، به جنبش مقاومت و مبارزه علیه رژیم وابسته و اربابان امپریالیستی رشد و توان میداد. تا بالاخره آتش فشان خشم توده ها در روزهای محرم و روز عاشورا سر باز کرد و بدنبال سرکوب های خونین در قم و چند شهر دیگر در روز ۱۵ خرداد در اکثر شهرهای ایران منفجر گردید.

گرچه این قیام بر افتخار با بجای گذاردن هزاران شهید با شکست موقت روبرو گشت ولی در متن

قیام تاریخی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نقطه اوج مقاومت و مبارزه مردم میهن ما در مقابل نفوذ روز افزون امپریالیسم آمریکا و سلطه رژیم دربی کودتای ۲۸ مرداد بود. جنبش حق طلبانه ای بود که آگاهی عمیق خلق را از سیاست های نوسو استعماری نشان داد.

این قیام بانقش فعال و مهمی که اسلام مبارز در تحرک و هدایت آن ایفا کرد، نقطه آغاز انقلاب اسلامی محسوب شده و شالوده پیروزی آینده این انقلاب را بنا نهاد.

بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۴۲، امپریالیسم آمریکا با تمام نیرو کوشید تا سلطه جابرانه خود را در همه زمینه ها بگستراند و برای این منظور دست به سرکوب و حشیانه هر گونه مقاومت توده هازد. لگسن علیرغم سرکوب و حشیانه و فاشیستی آمریکا و نوکراتش، مقاومت و مبارزه اقشار مختلف مردم چه بصورت علنی و چه بصورت فعالیت های مخفی در همین سالها همچنان ادامه می یافت.

باروی کار آمدن گندی در آمریکا، این جناح فریبکار امپریالیسم اینطور تشخیص داد که ادامه سلطه بر خلقها باید بر مبنای سیاست های نواستعماری با ظاهری اصلاح طلبانه صورت پذیرد. لذا در ایران طرح

اسلام مبارز، جبهه ای مستحکم علیه سلطه

ابر قدرت‌ها

جهان سوم اینست که آتش حمله خود را متوجه هر دو ابر قدرت نموده است. این امر، اساسا بعزت و اعتبار عینی این کشورهاست که رهایی کامل از امپریالیسم و بویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی را مبطلبند. اسلام مبارز امروزه جای مهمی را در جریان بزرگ تاریخ معاصر ما یعنی جریان عظیم استقلال طلبانه جهان سوم اشغال میکند.

اسلام مبارز برای اینکه بتواند توده های پستیبان خود را به پیروزی نهایی یعنی کسب کامل استقلال برساند باید نه تنها همچنان بر ادامه مبارزه علیه ابر قدرت ها با اتکا به نیروی عظیم توده ها با فشاری نماید بلکه باید با سایر نیروهای استقلال طلب راستین، بویژه با سوسیالیسم انقلابی اتحاد خود را مستحکم نماید. وحدت جریان های اسلام مبارز، ملی گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی امروز بصورت شرط حیاتی پیروزی انقلابات رهایی بخش ملی در کشورهای اسلامی در آمده است. این نیروهای استقلال طلب و از جمله اسلام مبارز میتواند به کسب پیروزیهای مرخلفه ای نایل آیند، اما پیروزی نهائیشان بدون شک و به حکم تاریخ در گرو وحدتشان با یکدیگر است.

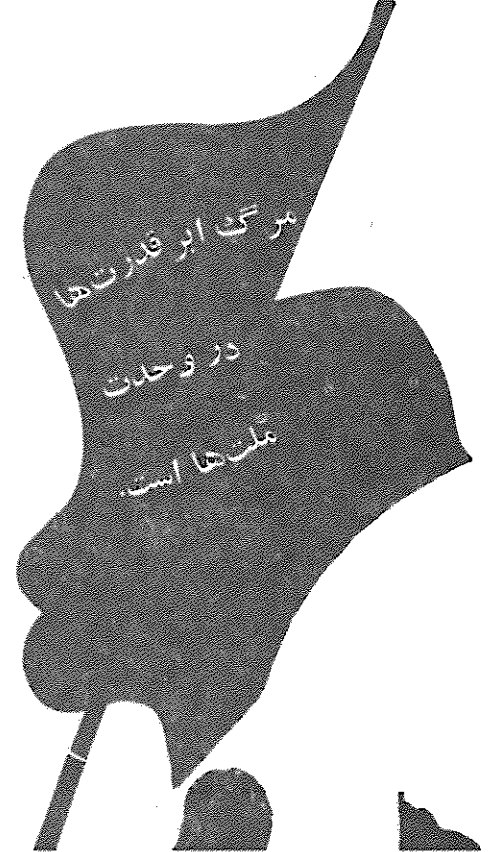
میاید. درازبیره اسلام مبارز یک نیروی محرک در جنبش ملی اریتره شمرده میشود.

اسلام مبارز هر چاکه به میدان مبارزه کشیده شد، به منابه پیشوای ایدئولوژیک خلقهای پستیبان خود، ظاهر گشته است و بهین سبب قادر شده وسیعترین نیروهای مردمی را که عمیقا به سنیهای مذهبی خود وفادارند و از ستم امپریالیسم و ارتجاع به ستوه آمده اند، بگرد خود در آورد. اسلام مبارز در تجربه مبارزات سالهای اخیر خود، بویژه در ایران نشان داده که بخوبی قادر است به بسیج خلق دست بزند و امر مبارزه را با تکیه به نیروی توده ها ادامه دهد.

یکی از ویژگیهای بارز مبارزات نیروهای اسلام مبارز در

بخش وسیعی از جهان سوم، از مراکش گرفته تا مالزی و فیلیپین راکشورهای اسلامی تشکیل میدهند. اسلام مبارز در این کشورها سالهاست که به یک جریان قوی ایدئولوژیک سیاسی و اجتماعی تبدیل شده است. رشد نیروهای اسلام مبارز و جنبش های اسلامی مترقی هر چند که در این کشورها بطور ناموزون صورت پذیرفته اما بی محابا دارد با اتکاب توده های مسلمان و بسیج آنان به بیکر سلطه استعمار گرانه ابر قدرت های آمریکا و شوروی ضربه میزند.

اسلام مبارز یک پدیده اجتماعی- تاریخی است که ریشه در مبارزات حق طلبانه خلقهای مسلمان این مناطق دارد. قدرت سیاسی در ایران، امروز به تسخیر اسلام مبارز در آمده است. در افغانستان نیروهای اسلام مبارز، در راه جنبش رهایی بخش ملی و جنبش مقاومت مسلحانه علیه تجاوز امپریالیسم شوروی قادر شده اند جبهه اسلام مبارز غیرمتعهد را در جهان سوم مستحکم تر گردانند. در فیلیپین اسلام مبارز رهبری جنبش مسلمانان را در جنوب این کشور عهده دار است و به منابه جز قابل توجهی در مجموعی نیروهای سیاسی مبارز و استقلال طلب این کشور بحساب



فیلیپین

مجمع الجزایر فیلیپین امروز صحنه رویارویی و قدرت نمایی اسلام مبارز، سوسیالیسم انقلابی، مسیحیت مترقی و ملی گرایی مترقی علیه سلطه فاشیستی امپریالیسم امریکا میباشد. امپریالیسم امریکا با کمک های نظامی، طرح های تعلیماتی و استقرار پایگاه های نظامی خود به ادامه حکومت بوسالی و وابسته فردیناند مارکوس کمک میکند و نفوذش را در این کشور غنی که از نظر استراتژیک، اقتصادی و نظامی اهمیت بسیاری دارد ادامه میدهند. خلق فیلیپین از سابقه وسیع

مبارزاتی علیه ۵۰ سال سلطه استعمار امپریالیسم در میهن خود برخوردار است. از زمان ورود تکنساران دریایی امریکا به خاک فیلیپین در سال ۱۸۸۹ میلادی و کشتار وحشیانه مردم مانیل، این خلق یک دم از مبارزه بخاطر استقلال و رهایی ملی میهن و آزادی دست نکشید است.

نماینده گی خلق مسلمان مورو در جنوب فیلیپین را امروز جبهه آزادی بخش ملی مورو بر عهده دارد. این جبهه در سال ۱۳۴۸ پایه گذاری شد و در عرض چند سال توانست پایه وسیعی میان مردم مسلمان مورو پدید آید و بیک مرکز مبارزاتی آرایخواهان مورو تبدیل شود. ارتش مورو با تکیه بعنوان بازوی مسلح جبهه دارای نیروی ۲۰/۰۰۰ نفری

دست به سلاح برده اند، سد نفوذ ناپذیر در برابر تجاوز و اشغالگران روسی ایجاد کرده اند. اولین هسته مقاومت در سال ۱۳۳۹ با تشکیل جبهه آزادی بخش اریتره (ای-ا-ا) بوجود آمد و یکسال بعد مبارزه مسلحانه آغاز شد. در اوائل سالهای ۱۳۵۰ اشغالی در این جبهه بوجود آمد و جبهه دیگری بنام جبهه آزادی بخش خلق اریتره (ای-بی-ال - اف) یا بعرضه حیات گذاشت. اما وجود دشمن مشترک باعث رشد جریان وحدت طلبانه بین این دو جبهه شد و از سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) تلاش برای حل اختلافات، همکاری و هماهنگی عملیات نظامی و حتی تفاهم سیاسی بعمل آمد. در این رابطه بود که این دو جبهه اقدام به ایجاد شورای مشترک سیاسی و نظامی نمودند. علیرغم دشمنی نیرومند که از جهت تعداد و سلاح بر نیروهای آزادی بخش بطور چشم گیری برتری دارند اما عزم راسخ و عشق به میهن جنگجویان اریتره ای سبب پیروزی جنبش مقاومت در بسیاری از جبهه ها شده است. علی سعید یکی از فرماندهان ای-بی-ال - اف می گوید: عامل تعیین کننده در پیروزی ما عزم راسخ جنگجویان ما است که میدانند برای یک امر عادلانه می جنگند و میدانند که جان خود را برای آن فدا کنند.

منظم میباشد و در مناطق جنوب غربی ایالت مینا ندوا و جزایر باسیلان و سولو فعالیت مینماید. خلق مسلمان مورو بخاطر خود مختاری و بدست آوردن سرزمینهای غصب شده خویش مبارزه میکند.

مناسبات مابین جبهه آزادی بخش ملی مورو و "جبهه دمکراتیک ملی فیلیپین" که حزب کمونیست فیلیپین عضو از این جبهه دمکراتیک میباشد بسیار نزدیک و وحدت طلبانه میباشد. فعالیت های مشترک نورالنجی میسواری دبیرکل جبهه مورو با رهبران جبهه دمکراتیک ملی در مبارزات دانشجویی در سالهای آخر دهه ۴۰ رهبران این دو جبهه رابه یکدیگر بسیار نزدیک نمود است.

ما اسلحه خود را از دشمن بدست میاوریم و توده های خلق اریتره پشتیبان ما هستند. آنهايي که فکر میکردند که ما در مقابل شوروی نمیتوانیم مقاومت کنیم فقط از اسلحه های مدرن و پیشرفته صحبت میکردند، آنها اراده انقلابی خلق ما را، حقانیت مبارزه ما را و خط مشی ورهبری صحیح جبهه آزادی بخش خلق اریتره را فراموش میگردند.

سبحت افرام عضو بوری سیاسی جبهه آزادی بخش خلق اریتره

مردم ما چاره های جز این که برای دفاع از شرف خود و شرف سرزمین خود و از همه مهمتر اسلام دست به اسلحه ببرند، ندارند.

نورالنجی میسواری دبیرکل جبهه ملی، آزادی بخش مورو.

شوروی امروز یک کارزار لجن پراکنی بر علیه جنبش مقاومت اریتره براه انداخته است و بمتهمت میزند که نوکر و آلت دست امپریالیسم هستیم و با حمایت سیاسی، نظامی خود از رژیم اتیوپی سعی در خفه کردن جنبش مقاومت در اریتره دارد. بنابراین خلق اریتره در عمل علیه کسانی که جنگ را در اریتره هدایت میکنند یعنی ژنرال ها و افسران عالی رتبه شوروی می جنگند.

عمد میگائل گاهای، مسئول روابط خارجی جبهه آزادی بخش خلق اریتره در اروپا.



افغانستان

تمام اقشار و طبقات، کودک و جوان، پیرزن و پیرمرد، نظامیان و غیر نظامیان همه و همه یک پارچه به قیام برخاسته اند تا پیروزه امپریالیسم روس این غول جنگ افروز و مغرور را بخاک بمالند. گروه انقلابی خلق های افغانستان تمام اقشار و طبقات، کودک و جوان، پیرزن و پیرمرد، نظامیان و غیر نظامیان همه و همه یک پارچه به قیام برخاسته اند تا پیروزه امپریالیسم روس این غول جنگ افروز و مغرور را بخاک بمالند. گروه انقلابی خلق های افغانستان

اسلام مبارز بعد از آغاز انقلاب ایران و انقلاب افغانستان به یک عامل مهم در مبارزه علیه دوا بر قدرت روس و امریکا در منطقه تبدیل شد. در کشور ما اسلام مبارز پیشوای ایدئولوژیک و رهبری کننده جنبش ما است. گروه انقلابی خلق های افغانستان